

دستور دکتر فرامرز اردشیر بد

## میترا و میترائیسم

بدون شك یکی از جالبترین و عمیقترین مباحث فرهنگ ایران باستان میترا (مهر) است که در شخصیت وی مفاهیم اخلاقی و معنوی، آنچنانکه در دیگر اصول مذهب اوستا دیده نمیشود درهم آمیخته و ترکیبی غنی و پر ارج از کهنه ونو در آن فراهم آمده است. فکر یا مفهوم میترا نمونه یا مورد منحصر بفرد از طریقه و روشی است که در آن یعنی در اوستا خدایانی که از دوران هند و ایرانی قبل از زرتشت نشأت یافته بودند در جنبه‌های معنوی و اخلاقی خویش مستحیل گشته و بر اساس و طبق روح نوین تعلیمات زرتشت دگرگون شده‌اند.

هنگام مطالعه در باره میترا بجنبه‌های بسیار بدیع و مسحورکننده و جذابی از ماهیت روحی و خصوصیات اخلاقی و تجلیات جسمانی او برمیخوریم که خاص سمبولیک صوفیانه ایرانیست. سرودهای متعددی که شاعر در مهریشت سروده نیز دلیل بارزی بر میزان اهمیتی است که مردم ایران برای میترا قائل بوده‌اند. او را شاید بتوان محبوب‌ترین و مشهورترین «ایزد» دوران بعد از زرتشت دانست. باید این نکته را در نظر داشت که ایزدان عنوان خدایی نداشته و در ردیف فرشتگان نیز قرار نمیگیرند. ایزدان موجودات قابل ستایش، صفات الهی، افکار مجرد، فضائل اخلاقی و آفریدگان و تجلیات خود اهورامزدا می‌باشند و منظور از پرستش ایزدان در مذهب دوران بعد از زرتشت بدون آنکه نیازی به گسترش تخیلات باشد وارد کردن اصل تعدد الهه یا فلسفه وحدت وجود در مذهب زرتشتی

بوده است. مع الوصف با اینکه اهورامزدا همچنان در مقام و منزلت خدای تعالی و خالق باقیست چون ایزدان مظهر قدرتها و اصول شخص اهورا مزدا میباشد آنها را میتوان موجوداتی پرستیدنی دانست. در آثار بعدی کوشش شده است تا با تعبیر و تفسیر جنبه‌های معنوی و اخلاقی مختلف توجه بشر را بدانش درباره خدای تعالی منحرف گردانند. در گاتاهاى زرتشت نیز کوششی مصرا نه و مداوم بعمل آمده تا يك مذهب یکتاپرستی منطبق و بی‌پیرایه ارائه گشته و همه خدایان هند و ایرانی که نشانی از ملل معتقد به تعدد الهه بودند بدور افکنده شود. بدین ترتیب میترا خدای هند و ایرانی نتوانست جایی در گاتاها احراز کند.

بهر حال این نکته را باید متذکر شد که در یسنا ۶-۴-۵ ذکرى از کلمه «میتروئیویو» به میان آمده و این تنها موردیست که در گاتاها یک کلمه میترا آنها بشکلی که گفته شد اشاره شده است. لولم این کلمه را با میترا مربوط دانسته و آنرا بمعنی «رشته‌های دوستی» ترجمه کرد و با تلو لوده آنرا بمعنی «پیوندهای ایمان یا فرا بخش مذهبی» ترجمه نموده است. بهر صورت این لغت بطور قطع با میترا نام خدای بزرگ هند و ایرانی بستگی داشته و با آن مربوط میباشد. در این قطعه گاتاها کلمه میتروئیویو در موردیکه بشر با خالق خویش پیمانی میکنند بکار رفته است و کلمه (اورداتوئیوش) بمعنی «قانون الهی» که با میتروئیویو استعمال شده است نیز این مفهوم و معنی را میرساند مضافاً اینکه استعمال کلمه هوزنتوس بمعنی عالم ودانا در این زمینه این استنباط را که کلمه مذکور بمعنوم پیمان با خدا بکار رفته است بیش از پیش تأیید میکند.

میترا در میان همه خدایان هند و ایرانی که جایی در اوستا برای خود بسافته‌اند والاتر و ممتازتر میباشد، میترا درودها با وارونا که موقع عالیتری را اشغال کرده است مربوط شده و در نتیجه فردیست آن در دوره هند و ایرانی تحت الشعاع قرار گرفته است. اما پس از جدائی هندیهای آریائی و ایرانیهای آریائی (یعنی دو گروه اصلی آریائیها) از یکدیگر میترا بمقام رفیعی ارتقاء یافت. در دوره مصلحه و توحید عقائد نوین و دیرین یعنی قرن‌ها پس از گذشت زرتشت میترا بصورت آشکارترین جنبه و موضوع ادبیات زشت درآمد. در طولترین یشتی که با افتخار او سروده شده از عظمت وی تجلیل شده و بهر تکامل تدریجی مفهوم میترا در سراسر قرون و اعصار توصیف گشته است.

میترا خدای باستانی آریائیها بود که با خدای بزرگ اهورا - وارونا رابطه نزدیک داشته و از آنجا که وی نماینده نور آسمانی بوده است لذا همواره بهنگام دعا و نیایش از وی بجز مانند آسمانهای پهناور و پدر و در بردارنده همه، طلب آرزوش میشده است.

در اوستا و همچنین در ودا از وی بعنوان خدای انوار آسمانی یاد شده و بدین ترتیب خدای همه انوار محسوب میشده است. وی نور خدای تعالی است نه نور خورشید. خورشید فقط تجلی مادی و جسمانی او بشمار میرود. از میترا و وارونا درودا بعنوان دو برادر دوقلوی بزرگ و بنور وضوح دو جنبه (حشمان) نور ابدیت یاد شده است. در طول قرون داری که وارونا بعنوان خدای منال در معابد و پرستشگاههای آریائیها مورد پرستش قرار گرفته بود مقام میترا نیز در کنار او محفوظ بود. در اوستا جای وارونا را اهورامزدا گرفته و بطوریکه مشاهده میشود (یشت ۱۰-۱۱۵-۱۶۵۵) بمیترا و اهورا بعنوان دوقلو (دوازده) اشاره شده و اهورا و میترا با تقدیم و تأخیر بصورت میترا اهورا (در یشت ۱-۱۱-۲-۳-۱۳-۱۳-۱۳) مهر نیایش ۲ (۱۲) نیز آمده است.

در سرودهای ریگ و ودا بیش از دو یست بار به میترا همراه با وارونا اشاره شده است و آنچه که در باره وارونا گفته شده درباره میترا نیز صدق میکند. وارونا بزرگترین خدای ریگ و وداست و شماره سرودهای ریگ فقط در باره وارونا میباشد (بجز آنها که به همراه میترا آمده است) در حدود ده سرود است. وارونا بزرگترین خدای نظام معنوی و قوانین طبیعت است. وی خدای نور و روشنایی و داناتی کل و عالم بر همه چیز و واقف به همه اسرار و شاهد بر حقیقت و راستی و دروغگویی و تقلب بشر میباشد و پرستنداش وی را در مکان آسمانی او پرستش نیایش میکند.

میترا و وارونا را جوان میدانند و خورشید را دیدگانش محسوب میدارند. آنها جامه‌های بلند و درخشانه بر تن کرده و در رفیع‌ترین آسمانها بر گردونه خویش سوار میشوند و کاخ زرین آنها هزار ستون و هزار در دارد. آنها را خبر گرانانی است و فادان که هرگز از یاد پدر نمی‌روند آنها سدهائی هستند که در برابر ریا و دروغ استوار ایستاده‌اند. آنها سلطان عالمند. آنها فرستندگان باران و نگهدارنده و ناظم نظم کیهانی یا حقیقت (که در اوستا بنام «شاه خوانده شده) میباشد. آنها محافظ همه جهانند. این صفات در مهر یشت تأخیدی بسط و توسعه یافته است.

سرودهای ودائی همین صفات و نبوغ و حیات و عشق و داناتی را مانند میتراى اوستا به وارونا نسبت داده است. کردارهای کیهانی هر دوی آنها شبیه یکدیگر است و هر دوی آنها از خواب بی‌نیاز و همیشه بیدارند (یشت ۱۰-۷). هر دو آنها مانند زمین وسیع و باگسترش بوده و هر دو التهاب و خطر را از بشر بدور میدارند (یشت ۱۰-۲۲) هر دو آنها یار حق و محافظ و مدافع حقیقت و عادم دروغ میباشدند (یشت ۱۰-۸۰). ریگ و ودا ۶۷۱-۱۰۴-۱۵۱-۱) هر دو آنها خبر گزار و عدل دوست مراقب دارند (یشت ۱۰-۴۵). ریگ و ودا ۷۱۰-۳-۶۱-۱۱-۴۷۸-۱۱) میترا مانند کره ماه خود نورانی است (یشت ۱۰-۱۴۲)

و میترا و وارونا مانند ماه نورافشانی میکنند (ریگ‌ودا ۳-۱۶-۷) هر دو آنها خدایان آسمانی هستند که گردونه‌هایی مشابه یکدیگر دارند. میترا هر روز با کالسکه یک چرخه خود که چرخ آن زمین بوده و چهار اسب سفید و جاودانی با سم‌های زرین و سیمین آنها می‌کشند بگردش میپردازد (یشت ۱۰-۱۳۶-۱۴۳)، از هر دو آنها بنام رهبان مذهبی نیز یاد شده است. میترا ذاکر سریع بسنا و پیشوای مذهبی است که با نوائی بلند گاتاها را قرائت میکند (یشت ۱۰-۸۹)، میترا مظهریک پیشوای مذهبی و روحانی جدی و کاری است (ریگ‌ودا ۳-۵-۴)، هر دو نباتات را برشد و آبهارا بجزویان و امیدارند (یشت ۱۰- ریگ‌ودا ۵-۶۲-۳)، هر دو موجب پیدایش خوشیها و شادبها میگرددند (یشت ۱۰-۳۴)، هر دو آنها باید با نام‌های خودشان خوانده شوند (یشت ۱۰-۳۱-۵۴ ۵۵-۵۶-۷۴-۱۳۷).

در مورد مفهوم میترا بطور قطع جنبه‌های معنوی و روحی و مذهبی و اخلاقی بیش از صور عنصری خورشید هویدا و مشهود است. بدینجهت میل کردار اصلی میترا بعنوان خدای آریائیاها، جنبه اخلاقی او میباشد. در ودا فقط یک سرود به میترا اختصاص داده شده (ریگ‌ودا ۳-۵۹) که در آن اشاره‌ای بصفه یا نشان عنصری او نشده است. دانشمندان هند و ایرانی چنین میندیشند که نور خورشید با خود خورشید فرق داشته و این دو با یکدیگر متفاوت میباشد. بزرگترین و گرامتیرین دوست مردم در این جهان خورشید است که نور و حرارت میدهد. لذا در ریگ‌ودا (۵-۸۱-۴) خورشید عبارت «میترو بواسی دوا» یعنی «ای خداوندگار تویی میترا» خطاب شده است. علت انتقال و اطلاق مفاهیم و جنبه‌های معنوی و اخلاقی میترا بیک کره مادی و عنصری یعنی خدای خورشید اعتقاد باین نکته است که همواره از نیکی بردشانی تعبیر شده و از بدی و دروغ و خیانت بتاریکی و تیرگی یاد شده است. پرستش کنندگان میترا یا نور و روشنائی آسمانی در موقع نیایش چیزی مادی را جلوی چشم خود قرار میدادند که جای آن را بعداً خورشید گرفت زیرا خورشید قادر بدیدن همه چیز بود. بهر صورت آنچه مسلم است اینست که میترا در اوستا خدای خورشید نبود بلکه نور و روشنائی ابدی و همیشگی است که در همه جا و همه وقت حاضر میباشد.

در دوره بداز ریگ‌ودا «میترا» همگام با «میهر» خدای خورشید هندو سکائی جنبه‌های مادی خورشید را بخود گرفت. در هند مابدی بنام معا بد میترا بنا شده بود که تصویر میترا خدای خورشید با هفت کنش که نمودار انوار هفتگانه خورشید است در آنها قرار داشت.

آبها و امواج عالم هستی و برترین حقایق از چشمه‌ایکه در رفیع‌ترین آسمانهای جای دارد میجوشد، همه جا از آب بعنوان نطفه حقیقت یاد شده است. هند و آریائیهای باستانی همیشه به آب سوگند میخورند و وارونا را محافظ حقیقت در آب میدانستند. عجیب اینکه قراوگه میترا در آب نبوده بلکه در آتش بوده است. این امر با مفاهیم ایرانیان از آتش بعنوان شاهد یا گواه مطابقت دارد. نقش میترا در توزیع و بخشش آب (یشت ۱۰) که بعدها در میترائیسم غرب احیا گردید (صفحه ۱۶۴، جلد I Cumont) با وضع مشابه خود در مورد وارونا بعنوان خدای سوگند و ادب بستگیهای دارد.

ترکیب «میترو دروج» که بمعنی پیمان شکن است بکسی نیز اطلاق میگردد که علیه همه کیفیت‌های معنوی و اخلاقی میترا عمل کند، کسیکه پیمان خود را با خالق خویش نقض کرده و بی‌وفا و خیانت کار یا دروغگو باشد. این ترکیب ممکن است بمعنی ضد میترائی و مخالف اشونت نیز باشد. در سانسکریت نیز مشاهده میشود که «میترا - دروه» بمعنای مشابه بکار رفته و همچنین در دتائیتریا براهمنا «نیز همین امر صادق است.

توأم میترا یعنی وارونای هند سنگین‌ترین و شگرفترین وظائف اخلاقی را در میان همه خدایان هند بعهده دارد. در اوستا توأم میترا، اهورا میباشد. همبستگی اهورا و میترا در ادوار بعد در کتیبه‌های ایران باستان، اردشیر دوم (۴۰۵ - ۳۵۹ قبل از میلاد مسیح) و اردشیر سوم (۳۵۹ - ۲۳۸ قبل از میلاد مسیح)، نیز مشاهده میشود. آنجا که میترا صمیمانه واز نزدیک با وارونا خدای بزرگ و اهورا مزدا بستگی دارد باستانی میتوان درک کرد که این خدایان بچه علت در میان خدایان ودائی و اوستائی مقام شامخی دارند.

در مطالعه درباره میترا با دو وظیفه و تکلیف مواجه میشویم. از جهتی میترا را باید از نقطه نظر مدارک هر بوط بخود او و مطالعات تطبیقی که درباره او انجام گرفته مورد مطالعه قرار داد و از طرفی باید کوشید تا روح واقعی مفاهیم و جنبه‌های میترا را درک نمود تا معلوم گردد که چه صفاتی در او موجب جلب بشر را بسوی وی فراهم آورده و باعث ترفیع روح بشر گشته و آرامش و تسکین برایشان آورده و عالیترین افکار و آرمانهای آنها را اقیاع کرده است. همه مطالعاتی که درباره میترا انجام شده هنوز از نقطه نظر درک جنبه‌های معنوی و روحی میترا ناقص است.

در همه فرهنگها و مذاهب جهان مقداری رموز و احادیث سری وجود دارد که فقط برعهده معدودی آشکار میباشد و این عده نیز با حمادت و سماجت خاصی این اسرار را از دیگران مخفی میدارند (یشت ۴-۹)، حقیقت این اسرار فقط برعهده معدودی از محارم آشکار

بوده و در سمبولیسم‌هایی حفظ میگردد که نشان دهنده برخی حقایق اساسی زندگی بشر میباشد .

هدف اولیه ما ترسیم نقش واقعی میترا از منابع اصلی اوستایی بویژه از مهریشت و همچنین تثبیت صفات ممیزه اولیه و ثانویه و گردارهای وی و ارزیابی موقعیت او در میان خدایان اوستائی میباشد .

ادبیات یشت شامل برخی از عمیق‌ترین مباحث فلسفه و معنوی زرتشتی منجمله تفاسیری از صفات ممیزه و گردارها و پرستش خدایان و صفات الهی و اصول معنوی میباشد . چنین بنظر میرسد که لب اصول یشتها در نخستین نسل بنان یشت که باهنگی شاعرانه و پرزبانی توصیفی و داستانی در باره مطالب مختلف و متفاوتی از قبیل فلسفه معنوی و یا روحی ، علوم ، ستاره شناسی ، علم اساطیر ، تاریخ و جغرافیا برشته تحریر درآمده ، گنجینه شده است . نویسندگان یونانی اطلاعات خود را درباره دین زرتشتی ، از سرودهای آن گروه از شعرای زرتشتی که یشت را نگاشته اند کسب نموده اند .

در یشت می بینیم که مریدان و جانشینان زرتشت تعلیمات پیامبر را تفسیر کرده و به آئینهای مذهبی جنبه اخلاقی داده ، مهر یکتاپرستی بر آنها زده و با استفاده از نبوغ شاعرانه خویش يك سمبولیسم واقعی معنوی که ادبیات مذهبی ایشان را غنی کرده است خلق نموده و بوجود آورده اند . آنچه مسلم است اینست که دکتترین‌های پیامبر ایران باستان و واقعیت سمبولیک آنها در ادبیات بدی اوستائی محصول فلسفه مذهبی روح يك ملت و کشور و فرهنگ بوده است .

مهر یشت طویلترین و شاید کهن‌ترین مدرک ادبی صفات ، گردارها ، شخصیت و همراهان يك ایزد معنوی دوره پس از زرتشت محسوب میگردد . نویسنده مهر یشت می گویشیده است تا فلسفه حاکم یکتاپرستی اهورامزدا ی ناهرئی ، معنوی و درخشنده را با صفات متعدد الهی او در جنبه‌های میترا - آن نور و روشنائی آسمانی - تفسیر و تعبیر کند . وی چنانکه متعاده میشود میکوشید تا همه صفات و گردارهای الهی را در وجود يك خدا مستحیل کرده و با رفیع داشتن دائمی اهورامزدا بعنوان عالی‌ترین و تنها خالق جهان که میترا را خلق کرد و او را مأموریت داد تا در خالق و نگهداری و پیشرفت جهان به فعالیت معینی بپردازد ، يك جنبه و تصور کامل و کلی به اهورامزدا بدهد .

در مورد قبول این نکته که مهر یشت اوراق بیشتری داشته و آنچه‌آن که هر تسفله پنداشته نویسندگان متعدد و مختلفی در ادوار متفاوت از قرن هشتم قبل از میلاد مسیح تا دوره ساسانیان در نوشتن آن سهم بوده‌اند دلیلی وجود ندارد .

فصلی که هر تسفله در کتاب خود بنام «زرتشت و عصر وی» بمیترا اختصاص داده و پیرامون وی بحث کرده است مانند سایر تئوریهای نویسنده و نقایحی که وی در آن کتاب گرفته در هم و پیچیده میباشد . مطالعه و بررسی یشت نشان میدهد که یشت يك شعر طولی و فوق‌العاده شایان توجهی است که شایستگی ادبی فراوانی دارد و هیچ زمینه اوردنده نیز وجود ندارد که این احتمال را که یشت طی قرون متمادی با گرد آمدن سرودهای متعددی در باره میترا بوجود آمده است تقویت کند . تئوری گریستن سن نیز دائر بر اینکه یشت مشتمل بر سه قسمت بوده است مقبول نمیشود .

در عصر یشت می بینیم که به آئین زرتشتی با تفسیری از فلسفه اخلاقی و معنوی میترا اشاره شده است . در آن خاطره مبراث هند و ایرانی همراه با روانشناسی خاص ایرانی زمان نویسنده نیز مشهود میباشد .

نویسندگان اوستای جدیدتر معتقدند که کایه اجزاء مرکب فلسفی آنان باید بعنوان توحیدهای اهورامزدا بزرتشت تلقی گردد . این نویسندگان تحت نفوذ سینکریسم یا مصالحه روحیه عقاید گوناگون که طی قرن‌ها قبل از آنان صورت گرفته بود می‌نوشتند و می‌کوشیدند تا ادعای خود را مبنی بر اینکه فقط ایشان اعتبار نمایندگی دین زرتشت را داشته‌اند تثبیت کنند . نویسنده مهریشت کوشیده است تا ایده‌آلهای زرتشتی را که با مفاهیم هند و آریایی و هند و ایرانی از میترا درهم آمیخته است ، همراه با پرستش ایزدان در دوره بعد از زرتشت که در هنگام نوشتن آن متداول بود تأیید کند .

یکتاپرستی مطلق در آثار زرتشت و جانشینان وی بطور فراوان عنوان شده است برخی از نمایانگه‌های مذهبی چندین خداپرستی یا دیوپرستی ( Daevayasnians ) که زرتشت آنرا موقوف و منع کرده بود مجدداً احیاء می‌گردید بنا بر مقتضایاتی موبد زرتشتی رساله یا نوشته‌ای ارائه نمود که در آن از اهورامزدا بعنوان بارئقالی و تنها خالق یاد شده که کارهای مربوطه بخلق و مظاهر وی بقدرتها و صفات و اصول مختلف او که بشام ایزدان خوانده شده‌اند موکول گشته است . میترا نیز یکی از برجسته‌ترین همین ایزدان بشمار می‌آید .

مشخصات میترا که بافتخار وی در یشت آمده تصویر زنده‌ای از شخصیت خدائی وی را که در ایران باستان مورد پرستش قرار می‌گرفت برجسته و ممتاز میسازد ( یشت ۱۰ - ۱۱۲ - ۱۴۵ - یسنا ۱ - ۲ - ۱۱ = مهر نیایش ۱۰۷ - ۲ - ۱۲ ) . شاعر بگذشته با عظمت این پروردگار که جنبه‌ها و مفاهیم وی تا اعمالی افکار عمومی ریشه دوانده بود آگاه بود و نسبت بآن بصیرت داشته است . وی واقفاً و بیدریغ نبوغ روشنائی ، زندگی ، عشق و ودائی

را ستوده است . صفاتی که معمولا به اهورامزدا نسبت داده شده به میترا نیز نسبت داده شده تا آنجا که اهورامزدا ویرا در محل درخشنده و باشکوه روشنائی و نور مورد ستایش قرار داده است (یشت ۱۰-۱۲۳) در اینجا باید متوجه بود میترا که بوسیله اهورامزدا خلق شده بود با اندام خود اهورامزدا بعنوان قابله نور و روشنائی ابدی ارزش پرستی یافته (یشت ۱۰-۱۰۱) و توسط خود اهورامزدا در حقیقت نور و روشنائی آسمانی و علوی ستایش شده است (یشت ۱۰-۱۲۳) اهورامزدا اورا بعنوان عالیترین و پرشکوهترین ایزدان (دهر نیایش ۷-۱ و نودیاد ۳۵-۱۹ یشت ۱۹) معنوی که اولین ایزد معنوی محسوب میگردد خلق نمود (یشت ۱۰-۱۲۳). این اظهارات طبیعت معنوی میترا را که ذیجودی مادی و جسم خورشیدی نبوده بلکه سرچشمه و منبع همه روشنائیها و حیات است تثبیت میکند . میترا را ذاتی کل نیز خوانده اند و این لقبی است که فقط متمایق به اهورامزدا میباشد ( یشت ۱۰-۲۴-۳۵) او نیکو آفریده شده و آفریدن های سپننامینو یا روح درخشان را افزونی میدهد و جسم خود را همچون ماه که نور آن از خود اوست نورانی میکند (یشت ۱۰-۱۴۴) و چهره اش مانند ستاره تیر (شعرای یمانی) میافروزد (یشت ۱۰-۱۴۳). دانستن این نکته نیز حالب است که ودای بزرگ کلمه «نیک» را که لغت سانسکریت و مترادف آنست بکار برده و میگوید چهره وارونا مانند آتش میدرخشد ( ریگ ودا ۷-۸۸-۲). اشاره بچهره درخشان میترا با جسم نورانی تطابق نیکو دارد و یکبار دیگر طبیعت روشنائی میترا را ثابت میکند . او همواره عشیار، دلیر و وجودی مسلط و حاکم بوده و موجب جاری شدن آبها و رشد گیاهان گشته و درك کننده آفریننده بوده و دانش بسیار بوی ارزانی و عطا شده است (یشت ۱۰-۱۶) او بهترین و با سخاوتمندترین و بخشندهما و با سخاوتمندترین دلیرترین دلیران، سرور سروران بوده و بخشاینده سعادت و نیکبختی، نیرو و قدرت، فرزندان ذکور، حیات و زندگی و پرمهر گاری وزده میباشد (یشت ۱۰-۶۵)

با توجه با آنچه گفته شد و با توجه با این قبیل کیفیتهایی که در مهریشت از آنها یاد شده است استنباط اینکه کردار عمده و اصلی میترا (پیمان) میباشد به حداقل رساندن چگونگیها و کیفیات متعدد معنوی و کردارهای وی بشمار میآید . چگونه میتوان خدای (پیمان) را بخشاینده قدرت و فرزندان ذکور و عطا کننده حیات و زندگی کافی مرفه و ضامن تمام حقیقت خواند ؟ میترا نیکو و نیرومند ، مافوق الطبیعه ، بزرگترین مهربان ، قیاس ناپذیر ، رفیع جاه و یک مبارز توانا و نیرومند است (یشت ۱۰-۱۲۰) او محافظ و نگهبان و مراقب همه مخلوقات است (یشت ۱۰-۵) او با دانش خویش آفریدن سپننامینو را پیش تره پیرد (یشت ۱۰-۱۴۴) چگونه میتوان همه این امتیازات و کردارها را بیک خدائی که فقط صاحب

پیمان است نسبت داد.

میترا نور و روشنائی آسمانی و بخشنده حیات است . وی از نقطه نظر اخلاقی نور حقیقت و عدالت است . از نقطه نظر روانشناسی وی نور دانش است . از نقطه نظر مادی او روشنائی و نور بویژه نوری که اشته آن ابدی است حاکم است . میتوان مادی روشنائی و پرمهره نظر ، میترا پیش از طلوع خورشید بر فراز قله قرار میگیرد و از آنجا بشمار تراخی که آسمانیها و ایرانها که در آنها اسکان گرفته اند نظر میافکند و مراقب همه حیات عالم است . جهان میگردد (یشت ۱۰-۳-۱۵ و نودیاد ۱۹-۲۸) جهان میترا گنبد عظیم است (یشت ۱۳-۳) اهورامزدا و امشاسپندان که با خورشید مطابقت دارند برای میترا مسکنی به پهنای زمین بر فراز کوه البرز بنا کرده اند (یشت ۱۰-۳۴-۵۰) وی همه آنچه را بین زمین و آسمان قرار گرفته بررسی میکند (یشت ۱۰-۹۵) اهورا مزدا مقرر داشته است که او مراقب همه آنچه در عالم حرکت میکند باشد ( یشت ۱۰-۱۰۳) و این نور و گرما و نیروی میتراست که به نباتات گرمی و حیات و زمین باروری میدهد . ارتباط میترا با ایام نبات سرمنشأ و منبع آبهای درخشان آسمانی یا عالم هستی است ، که امواج عالم هستی و روشنائی را موجب انهداب آن میگردد ، تعیین میشود (یشت ۱۳-۹۴)

دقتی که معنی واقعی و کردار میترا را بعنوان خدای روشنائی و بخشاینده حیات و محبت درك کنیم ، آنکه تصور قرابت میترا بذات روشنائی اهورامزدا که تابنده و باشکوه است و گرم بندی روابط ایام نبات با میترا کار آسانی خواهد بود ایام نبات سرچشمه و نافه نهایی آسمانی یا امواج عالم هستی است . این آتش برقی «آسمان درخش» است که در میان آنها مانند ایام درودا میباشد . ارتباط و تداعی وی با آتش نیرو سنگ پیمان بر آسمانی اهورامزدا (وندیاد ۱۹-۳۴-۲۲-۱۳) و ستاره تیر (شعرای یمانی) همه اشاره بذات آتشین و روشنائی ایام نبات بوده و میترا و ایام نبات همه مناطق عظیم فضا را افزونی میدهد (یشت ۱۳-۹۴) ایام نبات فر شاخی رایه امانی و اوروکشا (درهای آسمانی) میآورد (یشت ۱۹-۵۱) و میگویند که وی بشر را آفرینده و بان شکل داده است (یشت ۱۹-۵۲) . در قسمت اول همین یشت ( ۱۹-۳۴) فر که از چشمید که مورد توییح قرار گرفته است جدا شده بر سبزه میترا در حقیقت برای انتقال با پنده نگهداری و اندازه گیری میشود . ایام نبات مانند اهورامزدا و میترا درخشنده میباشد . او صاحب شتواترین گوشهها بوده و بدرخواستها و دعاهای که بمنظور تقاضا سعادت میگیرد دگوش فرامیآورد و این هر دو صفات و القاب میترا میباشد . در میتراکوسم ایام نبات بوسیله نپتون (رب النوع دریا) مشخص گردیده است لذا ارتباط ایام نبات و وارونا با میترا کاملا طبیعی است و هر سه آنها ذاتاً و از نقطه نظر

گردارهایشان سزاوار و نماینده روشنائی و نور آسمانی میباشند،  
 آنهائی که ارتباط این سه را شکست آور و غریب میدانند و دست با داشتن ایده های نوین  
 و نو ظهوری زده و اظهار میدارند که شباعت موجود میان میترا و اسپام نبات از آن جهت  
 است که هر دو آنها دارای افکار سیاسی هستند (گر شویج سرود آستائی برای میترا ۶۰)  
 در این تمها و الحان مقدس میترا، ایام نبات و فرجه چیز سیاسی میتواند وجود داشته باشد  
 آنها مفاهیم معنوی هستند که در فلسفه های معنوی عمیق خویش بصیرت دارند . چنانچه در  
 جنبه های بعدی میترا و میترائیسم اشاره ای به افکار سیاسی شده باشد . منشا آن ایرانی  
 نبوده بلکه رومی میباشد.

این نکته نیز شایان توجه است که آرامش خواهی میترا در کشورهاییکه دستخوش  
 آشوب و اضطراب هستند یا بسط و گسترش جهانی مذعب طبق بند ۹۲ مهریشت که مستلزم  
 وجود صلح و آرامش میباشد ارتباط داشتند واهورامزدا و امشاسپندان که دنیا را بارهبری  
 معنوی موجودات ذیروح گمارده اند میترا را بعنوان نماینده عادل شفیع خویش و رهبر  
 معنوی و دنیوی موجودات زنده و پاک و منزّه کننده بهترین مذعب تلقی کرده اند . در بند  
 بعدی - یعنی بند ۹۳ چنین بیان شده که میترا درهستی معنوی و درهستی مادی خویش مازا  
 (بشریت را) از مرگ و وحشم حفظ مینماید - اهورامزدا نیز اهورا توی دنیای معنوی و  
 هستی معنوی میباشد . (ویسپر ۴۵-۲) و گفته میشود که زرتشت رهبر معنوی و دنیوی این جهان  
 است و باز گفته شده است که در روح میترا وثیقه نیرومند و پر قدرتی از مذعب زیبا و گسترش  
 یافته مزدایسنی که پدر آن در سراسر هفت کشور جهان بخش و توزیع گشته است وجود  
 دارد - (یشت ۱۰-۶۴) ، این وثیقه و عهد برای ایجاد آرامش است که برای توسعه و  
 گسترش مذعب مناسب میباشد . در فروردین یشت (۹۴ و ۹۵) توسعه دین مزدایسنی در  
 سراسر هفت کشور جهان با کار میترا و ایام نبات در زمینه پیگرفت و پیشبرد جهان همزمان  
 و هماهنگ است . این وثیقه و عهد برای حفظ حکامی و جماعتی با آنچه که در بند ۹۰ اظهار  
 شده میباشد . در این بند گفته شده است که میترا رهبر دنیوی و معنوی و روحی موجودات  
 ذیروح جهان بوده و منزّه کننده بهترین معنی و مفهوم مذعب مزدایسنی میباشد . درقبال این  
 خدمات «اشی» گردونه ویرا هدایت میکند و دین مزدایسنی مسیر ویرا هموار میسازد  
 (یشت ۱-۶۸) . «از ششام چوستامه خواهر دوقلوی مذعب مزدایسنی ویرا در سفرش همراهی  
 کرده و در التزام وی در میا بند (یشت ۱۰-۱۲۶) توجه و تعلق میترا بدانش بطور وضوح  
 در بند ۱۳۱ مهریشت نگاشته شده است - وی در میان خدایان دارای عظیمترین و عقیدتترین  
 بصورت است و وارونا خدای آسمه و پرتو آذوی پیروی مینماید . میترا ای دلیر با هزار گوش

و ده هزار چشم نیرومند و دانای بر همه چیز و خیرات ناپذیر و آقا و خداوند دهر از جاسوس  
 میباشد در بند ۱۰۷ گفته شده که بهیچ انسان مادی ذیجودی آنچه ان دانش شگرفی که  
 بصورتی معنوی عطا گشته اعطاء نشده است .

میترا روشنائی عیشگی یعنی روشنائی که در همه وقت و در همه جا حاضر است ،  
 میترا روشنائی قبل از آغاز روز و روشنائی پس از غروب آفتاب برای اینکه در مراحل  
 بعدی بوسیله مردمانی که توانائی درک فلسفه معنوی میترا را نداشته اند با خورشید تشخیص  
 یابند . مرقع و فرصت مناسبی داشته است . اما میترا در حوزه مادی و عنصری نور و روشنائی  
 که از خورشید ساطع میگردد نبوده بلکه منبع و سرچشمه روشنائی است که در همه وقت  
 و در همه جا حاضر میباشد . میترا مراقب «همیشه بیدار» همه عالم بوده و در آن واحد در  
 همه جا وجود و حضور دارد .

نویسنده با روشنائی اشباع کننده و ذینفوذ میترا و با موضوع حضور و وجود وی در  
 همه جا و در همه وقت آشنائی کامل داشته است . هنگام اقدام بتصویر و تشریح میترا در  
 چهار جوب مسیر زمان و محیط وی گرفتار مشکل زبان شده و در حالیکه همانطور که از  
 بند ۴۴ بر میآید مسکن و مأوی میترا که از نظر حجم و اندازه نامحدود میباشد در دورترین  
 نقطه جهان مادی قرار داده شده است .

هنگامی که ذات درخشندگی اشباع کننده و ذینفوذ میترا را درک کنیم آنوقت عنوان  
 سرور همه کشورها در این قطعه روشن می گردد . از بند ۱۴۴ (و همچنین نیایش ۱۱-  
 ۲) ، بخوبی روشن میشود که اینها کشور نبوده بلکه مناطقی از فضا هستند که میترا -  
 روشنائی آسمانی - از طریق آنها سفر می کند . این هفت کشور با هفت منطقه رفیعی هستند که  
 در میان و در داخل و در بالا و در اطراف و در پس منطقه مورد فشار قرار دارند . اگر وی  
 سرور در این همه کشورها بود يك اظهاریه یا بیانه ساده و موجز کافی بود ، اما نشان دادن  
 وی در هفت جهت مختلف که حاکی از هفت کشور ، سرزمین یا منطقه می باشند و پایان  
 بخشیدن به هر یشت با بیان این امر که میترا سرور و صاحب فضا و همه سرزمینها و مناطق  
 فضا و اثیر (که حتما فضا و میان ذرات را پر کرده بوسیله انتقال نور و حرارت است) میباشد  
 دال بر نشان دادن مفهوم و معنی واقعی میترا و ذات وی می باشد در بند ۶۱ میترا بعنوان  
 کارسور زمین «حاکم بر کشورها» خوانده شده است در بند ۱۵ مناطق هفت گانه با اسم ذکر  
 شده که در آن میان از زمین ماکه «خونیرت» نامیده شده است بعنوان باشکوه و سرزمینی  
 سالم و قرارگاه اماکن و منازل یادگشته است در بند ۱۶ گفته شده است که میترا در همه  
 سرزمینها و مناطق سفر میکنند . و باز مجدداً در بند ۶۴ هنگامی که درباره گسترش داننده دار

مذهب سحبت بسیار می‌آید گفته شده که بذآن (مذهب) بر سراسر همه مناطق هفت گانه پخش گشته است.

در قلمرو ۸۹ میترا صورت پیشوای مذهبی که یسنا و گائتها را بسدای بلند می‌خواند توصیف شده است. در آنجا گفته شده است که سدای او بهانوار آسمانی رسیده و زمین را دور زده و در همه سرزمینها یا مناطق هفت گانه پخش شده و آنها را اشباع کرده است. لذا بخوبی روشن می‌گردد که منظور از این هفت کشور چه بوده و مفهوم آنها چیست. توضیح بتیلهر تسفند در باره اینکه مفهوم فرمول مزبور «اتحاد و اجتماع چندین ولایت در چهارچوب يك امپراطوری» (هر تسفند ص ۴۴۵) می‌باشد. چنین می‌نماید که وی در این مورد به امپراطوری مادها می‌اندیشیده و می‌افزاید که میترا در آنجا بعنوان سلطان و فرمانروای «ایران شهر» (صفحه ۴۴۷) مورد تکریم قرار می‌گیرد. این يك نمونه از نمونه‌های متعدد تمایلات دانشمندان غرب بمربوط ساختن دلائل و نشانی‌های تاریخی يك طبیعت و ذات سیاسی و بررسی اجمالی برخی از سازمانهای سیاسی در ادبیات متدس میباشد آیا میترا در موعود «در همه وقت و در همه جا» بودن میترا را با حاکم و فرمانروا کردن وی بر همه کشورها و یا با تجسم وی بعنوان اشباع و نفوذ کننده در فضا و اثیر بشود رسانیده؟ هنگامیکه لغت «دیهویتی» یکی مانند گشتاسب اطلاق گردد معنی آن حاکم و فرمانروای کشور است ولی وقتی همین کلمه به میترا اطلاق می‌گردد معنی آن حاکم و فرمانروای مناطق فضا میباشد. کلمه دیهوسیتما در بند ۸۷ (۵۵۲-۵۶۸-۵) بعنوان لغتی معادل ررتیر و تما بکار رفته و «سستی» معلم مذهبی کشور بوده و ارتباطی با امپراطوری یا امثال آن ندارد.

برای میترا اوستا وجه تسبیح‌های گوناگونی پیشنهاد و منظور گردیده و اساس چندی برای سنجش بررسی و محاسبه از ریشه «می» یا ریشه «میت» برای وصل کردن همراهی و تفکر و طرح‌ریزی بنیانگذاری شده که می‌توان پس‌وند «ترو» یا «رو» را بآن افزود. علاوه بر مورد استفاده آن بعنوان نام يك خدا آنرا بعنوان اسم عام در موارد گوناگون کردارهای اخلاقی میترا از قبیل پیمان و قول و تعهد و توافق و غیره نیز مورد استعمال قرار داده‌اند مفهوم و معنی آن در سانسکریت بعنوان اسم مذکر همگام و شریک و دوست بوده و خوردشید بعنوان دوست خنثی آمده و در زبان «پالی» به معنی دوست و در زبان «سینا پراکریته» به معنی دوست و خوردشید ذکر شده است و مهر یعنی خوردشید ایرانی نیز به معنی دوستی است ممکن است چنین بنظر برسد که میترا برای اندازه‌گیری از «میترا» به معنی سنجش مشتق شده است یعنی اندازه‌گیرنده روز یعنی خوردشید و اندازه‌گیرنده رابطه صحیح در میان بشر،

یعنی برای محبت و دوستی و حقیقت و عدالت. بدین ترتیب میترا ی غرب بعنوان خدای شهبان تلقی گردید.

میترا در نقش خود بعنوان نمایه روشنائی و نور از حرمت و تقدس پیمانها محافظت میکند. کلمه میترا بصورت اسم عام نیز بعضی پیمانها مورد استفاده قرار گرفته است (یشت ۱۰-۱۱-۱۱۱ - و در یاد ۱۰-۱۱-۱۱۱) متبر و قدغن گشته است که عهدنامه را اهم از اینکه با عادل یا ظالم یا مضمین یا متکبر منعقد شده باشد نباید نقض کرد زیرا میترا هر روز پسر عادل و ظالم را حمایت میکند (یشت ۱۰-۲) هر گس که عهدنامه‌ای را نقض کند. بنام میترا دروغ یعنی خائن به میترا خوانده میشود. کلمه میترا - در روح به مفهوم وسیع آن یکی اخلاقی میگردد که بر پایه کیفیت‌های گوناگون اخلاقی و معنوی میترا مانند پیمان بشر با خدا حقیقت، عدالت، محبت و غیره قیام کرده باشد. اولین قسمت از وندیداد ببحث پیرامون مجازات کسانی اختصاص داده شده است که عهدنامه‌ای را نقض کرده باشند و در آن بخش نوع نقض قول، و نقض عهد اشاره شده است. نه تنها شخص گناهکار مجازات میشود، بلکه هر اقوام از دینک نیز مسئولیت مذهبی تعلق می‌گیرد.

در دید نیست کردار نخستین میترا تا آنجا که وی ابرد معنوی و نمایه و ذری روشنائی و دانش و حقیقت و حیات و محبت است آسمانی و اخلاقی میباشد. ارتباط میترا با «پیمان» یکی از جنبین کردار مرحله دومین بشمار می‌آید. در اسناد میثایی وی میترا به معنی آفتاب روشنائیست. در مدرك ریگه ودائی، روشنائی ابدی مربوط با اورونا میباشد. در سانسکریت و میتراثیسم رومی کردار اصلی وی با میترا اوستا که بخشاینده روشنائی و عدلا کننده حیات است سویم میگردد يك تحول طبیعی و منطقی در مورد میترا از ذات بدیع آسمانی و کردار روشنائی و حیات وی بسلاط و تجلیات جسمانی روشنائی و نور قبل از طلوع خورشید و خود خورشید صورت گرفته است. مقبول و کافی بنظر نمیرسد اگر گفته شود که ابد و منظور روشنائی و حیات را میترا از جنبه پیمان میترا مشتق دانست. اگر اهورامزدا که درخشان و با شکوه، یعنی کیفیت‌هایی که در میترا نیز نشان داده شده است وجود نمیداشت بار روشنائی که روح است و حیات که تجلی روشنائی جهان میباشد، امکان دارد و فقط در این صورت است که هر گونه جنبه مادی از قبیل جنبه پیمان و غیره بوجود آید.

میترا دارای القاب متعدد و مشخص است که شمارش همه آنها در اینجا غیر ممکن میباشد. ولی برای بدست آمدن معیاری از شخصیت و عظمت میترا بر مناسبت نخواهد بود اگر نمونه‌های چندی از آن ذکر شود. میترا «اوروسا» یعنی سفیداست (شعاع خالص و

بی‌پیرایه) وی فریب نخوردنی ، مالك مسكنی در بالا بوده و خانه او در عمه هفت کرسکه و هفت «دعبو» یعنی مناطق یا حوزه‌ها و مقامات فنا جای دارد . او دارای تیرهای تیز و تیرهای بلند بوده و در هنرهای میترائی نیز میترا با تیر و کمان نشان داده شده است . وی دارنده مهر از چشم ، پیوند دهنده جهان زنده بطور وسیع ، صاحب گوش شنوا دارای هزار گوش میباشد .

از میان صفات و الثابی که میترا و سایر خدایان در آنها سویم هستند چند نمونه را میتوان در اینجا ذکر نمود وی «اهورا» یعنی مانند اهورامزدا زنده جاوید بوده و پام نبات یعنی منبع و سرچشمه همه آبهای عالم هستی میباشد . او بیخواب ، حاکم و فرمانروا و مانند اهورامزدا بر همه چیز دانا و در بلندی نام مانند آتیر (آتش) و سروش است . مرموز مانند فرشی‌ها یعنی جوهر خدایی عالم است ، بدنش از قدرت خلاقه افکار است مانند سروش .

خیل عظیمی از خدایان معاشرین و دوستان میترا را تشکیل میدهند و اهورامزدا اولین دوست و معاشر میترا بوده و با وی هم آهنگ و هم نظر از میباشد . میترا و اهورامزدا با هم و یکجا مانند دو قلو مورد ثنا و نیایش قرار گرفته و آنها را صاحب عالی‌ترین مقامات و انهدام ناپذیر وابدی و موجودات مقدس میخوانند (یشت ۱۰-۱۱۳-۱۴۵-۱-۱۱۷-۱۱-۲-۱۱ نیایش ۱-۷-۲-۱۲) اهورامزدا و ایرادرگروئمان = بهشت (یشت ۱۰-۱۲۳) پرستش نموده و او را برگزیده تا آفریده نیکوی همه جهان را سراقبت و حفاظت کند (یشت ۱۰-۱۰۳) بعنوان نگهبان روحنای ویرا همراه خورشید ثنا و نیایش نموده و ایشان را دودیدگان اهورامزدا میخوانند (نیایش ۱-۱۵) . میترا بعنوان محافظ حقیقت بنا «راسنو» ناپه حقیقت محشور بوده و در جانب راست وی «سروش» و در سمت چپ وی راسنو قرار گرفته و آبیا و نباتات و «فروشی‌ها» گرداگرد ویرا فرا گرفته‌اند (یشت ۱۰-۱۰۰) راسنو بمعنی راستگوترین و درخشنده ترین ، باقامتی فوق‌العاده کسبیده و بلند در سمت راست وی و رازشتیا چوستا یعنی عادلانه‌ترین دانش قابل درك و مذهب سفید و پاک مزدایسنی در جانب راست او جای دارند .

برخی از کیفیات مذهب ، فرکیائی و آتیر یعنی آتش نیز ملازمین وی هستند (یشت ۱۰-۱۲۶-۱۳۷) «واتا» یعنی باد و «اشی» یعنی برکت و خیر و پرندی یعنی کمال همه چیز و راسا یعنی مجمل فضا در معیت وی میباشد (یشت ۱۰-۹-۶۶) وی پس را شنو و پراسا شعور الهی (یشت ۱۰-۴۱) یا با سروش و نیریوسنگک یعنی عامل اثیری بین آسمان و زمین و پیام‌آور اهورامزدا (یشت ۱۰-۵۲ و ۱۹-۳۴) محشور و معاشر میباشد . بوی

قریان ارائه و پیشکش میکند (۱۰-۸۸-۹۰) میترا گردونه اسپان زیادی دارد (یشت ۱۰-۷۶-۱۲۴-۱۲۵-۱۳۶) گردونه وی پستارگان مزیں گشته و بوسیله اسپنهاینو ساجنه و آزامته شده (یشت ۱۹-۱۴۳) و توسط «دامیاه» یعنی فجر هدایت میگردد (یشت ۱۰-۱۴۳) . میر وی بوسیله مذهب مزدایسنی تهیه و آماده میشود (یشت ۱۰-۶۴) و نیرو و قدرت ظفر و پیروی پیشاپیش وی حرکت میکند (یشت ۱۰-۷۰) . میترا رشته‌های علاقه و محبت و دوستی بین افراد بشر را آفرید (یشت ۱۰-۱۱۶-۱۱۷) . کلمه میترا را به پیمان ترجمه کردن و با اطلاق کلمه پیمان به میترا در این قطعه بر مناسبت بنظر میرسد زیرا در اینجا سخن از روابط ابتاء بشر از نقطه نظر محبت و دوستی است و صحبت تجارت و دادوستد در میان نیست که فکر و ایده پیمان در آن‌جایی داشته باشد . علاوه بر معاشرینی که در فوق بدانها اشاره شد همکاری و مشارکت وی با «رامن» خواستراه بکرات خاطر نشان گشته است (یشت ۲-۳-۲۵-۴-۲ و سپرد ۲-۹-۳ و نند ۱-۱۶-۱-۱۷-۲-۳-۴) ژنی و ناپه نور و روشنائی بودن میترا و معاشر و محشور بودن وی با رامن خواستراه که بر اثیر جوی با اثیر نوربخش فرمانروائی و سرپرستی میکند با توجه به این اصل مسلم که اثیر عامل و واسطه حرکت و انتقال نور در فضا است ، از طریق علمی قابل توجیه میباشد .

از صفات و معاشرین میترا که در فوق با آنها اشاره شد میتوان بجنبه‌ها و مفاهیم و صفات مجیزه و کردارهای گوناگون وی پی برد . برای تشبیه کردن و با تحلیل دادن فلسفه معنوی اهورامزدا در مفهوم میترا اقداماتی بعمل آمده است . در گاتها بیک ساوک فلسفی از مفهوم اهورامزدا در جنبه‌ها و صفات وی بویژه در تجلیات پرتوافکن و جاذب او بر میخوریم . این موارد در ادبیات یشت در اداسپنتان یعنی صفات آسمانی وی و ایزدان نشان داده شده است . قدرت و نیرو و اصول و آفریندن وی قابل پرستش میباشد ، میترا ، رمن خشنوبه = اثیر نوربخش ، آتیر = آتش ، نیریوسنگک = عامل اثیری و پیام‌آور خدا ، انقرنویچا = نور بی‌پایان ، آسمان = فضای لایتناهی ، هورخشته = خورشید ، منوه = ماه و ستارگان چشمزیه (شعرا یمانی) ، ستوئه و هفتورنگک در زمهره گروه ایزدانی هستند که نماینده روشنائی و نور آسمانی و دنیوی میباشد . در میان این اصول در سخنان میترا مقامی رفیع و موقمی با اهمیت دارد . نویسنده مهریشت کوشیده است تا هر قدر که میتواند از صفات اهورامزدا و دکترین زرتشتی را در وجود قهرمان اشعار خویش مستحیل سازد در جنبه دانش میترا جنبه و حوسنه را مشاهده میکنیم . در جنبه شفاعت میترا اسپنهاینو ، در جنبه روح مقدس خود اهورامزدا رامی بینیم و در جنبه حقیقت میترا جنبه‌اشا و در جنبه محبت میترا جنبه سپنارمیتی و در جنبه عدالت میترا جنبه راشنو - ارشتات و بسیاری از جنبه‌های



دیگر که نویسنده بر اساس درك شخصی خود از مذهب زرتشتی بنگلی که در آن زمان داشته برای میترا قائل شده است بطور وضوح بیان شده است که میترا حافظ ایمان مقدس زرتشت در مناطق هفتگانه حیوان میباشد . در اینجا این نکته را میتوان خاطر نشان ساخت که وقتی که خورنه = شکوه و جلال که پیمایشش (حشید) را ترک گفته ، میترا آنرا مجدداً بری بازگردانید (یشت ۱۹-۳۵) قدرت میترا آنچنان شگرف و عظیم است که ارواح خبیثه کشنده و نفس شریر به سرور دیدن وی از ترس بازپس میکنند و بجای خویش عقب مینشینند (یشت ۱۰-۹۸-۱۳۴) اهمیت میترا بعنوان جنبه معنوی کمال یافته و موفقیت شایسته وی و صفات میزه و کردارهای وی از رابطه نزدیک و صمیمانه او با اهورامزدا و حضور پروردگار وی با تعداد زیادی از خدایان که هر يك مفهوم و معنی سببلیك معنوی و اخلاقی دارند هوریداست ، و موضوع دیگری که با اساس ذات میترا تناسب دارد برخی از کردارهای وی در زمینه کمک و معاونت به ارواح درگذشتگان هنگام عبور از روی پل چینوت - پل داوری میباشد و باز در همین زمینه از وی تقاضا شده است که هنگام قربانی و نیایش حضور داشته و آنها را به آوای نور و صوت برساند ،

نوع روشنائی و نوری که میترا نماینده آنست در وندیداد تشریح شده است (۱۹-۲۸) و فجر درخشانده و منور شب سوم شعله میکشد و میترا مراقب نیکو و بدخواهانی که حقیقت بر آنها آزادانه استنشاق میکند نزدیک سیگردد و خورشید سر بر عیان آورد (گر شویج ، سرود اوستائی بمیترا سفینه ۳۱-۲۹۱۵). در اینجا بمیترا بعنوان يك داور بر ارواح درگذشتگان در گذران شب سوم اشاره شده است . وی قضاوت خویش را بجای آورده و روح از روی پل چینوت میگردد . دختر زیبایی ظاهر میگردد و عومنو - خدای عقل نزدیک میشود تا روح صالح و نیکوکار را بسوی ملکوت آسمانی هدایت کند (وندیداد - ۱۹-۲۹-۳۲). میترا بعنوان متفکر صورت يك قاضی و داور جهان و خلقت و همچنین مردگان تصویر و توجیه گردیده است در میریشت سرور و راشنو همراهان دائمی ویرا می-پسیم . سرور نابغه و چندان بصیرت یا عیبهای آسمانی است سرور در متن پهلوی بیشتر با ارواح مردگان پیوستگی دارد . پس از آنکه سه روز در کنار روح شخص مرده گذرانند و پل چینوت (نیرنگستان-۲-۱۲۴) بکلك او معتابد و در آنجا با میترا و راستر پیوستگی مییابد . (نیرنگستان-۲-۱۱۸-۱۲۰).

راستو نابغه حقیقت بوده و صفت و لقب ثابت وی رزیشته یعنی راستی برتر میباشد . راشنو و ارشانات را بعنوان ترفیح دهندگان جمازه بایکدیگر نام مینهند (یشت ۱۰-۱۳۹) بنا بر آنچه که در راشنو یشت آمده وی بر محکمه آزمایش نظارت و سر برستی نموده و قاضی القضاات

آسمانی است که بر آزمایشهای شاق حکومت میکند . ارشانات ژنی و نابغه مونت حقیقت ، مباشر راستو میباشد . در متن پهلوی راشنو در دیوان آسمانی مجاکسات نشسته و روح مردگان را مورد قضاوت قرار میدهد (دینکرد ۱-۴-۳۱-۱۱) وی در دست خویش يك تیر روی زمین گرفته و اعمال يك و داور و اح را با آن مینسجد (مینو خرد ۲-۱۱۸-۱۱۹-۵) و باز در متن پهلوی میترا بعنوان قاضی حائی را در شورای خصوصی و مجرمانه اورمزد در آسمان اشغال نموده است . او تعیین کننده يك و داور و اح بریل داوری بوده (دینکرد ، ۳۱-۱۱ مینو خرد ، ۲-۱۱۸) و همه اشیاء بشر باید در برابر این خدای حقیقت و عدالت حضور یابند ( ۱۶۹۰) وی کسانی را که بگناه تقصیر عباد آورده نشان میدهد (دینکرد ، ۳-۱۴) . مفهوم اوستائی میترا بعنوان شفیع و میانجی بین خداوند و بشر بعنوان میترا قاضی و داور ارواح مردگان ادامه دارد . دو آئین مذهبی زرتشتی در شب سوم برای مردگان معمول میدارند مراسم باز بسطورد بزرگداشت و بافتن سارسروش ، راستو ارشانات و راهیبه حشره انجام میگیرد . در این مراسم میترا خوانده نمیشود زیرا او در قضاوت بیشتر فانه و نامفانه خویش تحت تأثیر و نفوذ قرار نمیگیرد .

بجز میریشت در متون اوستائی اشارات کمی به میترا شده است . در تور یشت چنین آمده است که اهورامزدا بستاره تیشتر به (شعراي یمانی) کمک کرد و آنها و نباتات و میترا که حالت را در زمینه وسیعی اتفاق میبخشد نیز چنین گردند و راه عریض بسوی تیشتر به (شعراي یمانی) کمک کرد و آنها و نباتات و میترا که خلفت را در زمینه وسیعی اتفاق میبخشد نیز چنین گردند و راه عریض بسوی تیشتر به (شعراي یمانی) گموده شد (یشت ۸۰-۷) بنا به فرود زمین یشت آسمان یا سپهر اثیری باروشنائی و شکوه فروشیها بدو وسیله اهورامزدا ایجا گردید و آن مانند قصری است که با مصالح آسمانی بنا گردیده باشد و آن مانند جامه ایست که با مصالح آسمانی بافته شده و با ستارگان تزیین شده باشد که جزا آنرا حیراء یا میترا ، راستو و راستی برتن میکنند (یشت ۱۳ و ۳) فردهشیها نیز میترا و راستو و وات (پاد) را یاری مینمایند . (یشت ۱۳-۴۶-۴۸)

اشارات ضمنی نیز مبین بر اینکه خدای میدانهای جنگ میباشد نیز وجود دارد (یشت ۱۰-۸-۱-۳۶-۹-۴۱-۳۶-۶۹-۱۰۱) بهمین علت ملتها ایگه میچنگند پیش از آغاز جنگ از عیتر طلب یاری و مدد میکنند . این کردار میترا بعنوان خدای گروهها مورد توجه شعراعی رومیان قرار گرفت . این تصویر شاعرانه از تالانهای معنوی و اخلاقی را که بوسیله میترا نمایان گشته است تقصیر میکند ، در وجود وی جنگ و آشفتگی سر گرفته و جنگ در بلون اشیاء و جهل در میگیرد ، و خود پرستی و خودخواهی رخت برهنده و

نور و روشنائی میترا تاییدن میگیرد .

میترا اصل حقیقت بود و دشمن دیرینه دروغ بشمار میآید . کاری در قلمرو معنوی مطلق یا حوزه مافوق‌الطبیعه میباشد که انعکاس آنرا در قلمرو مادی میتوان یافت . وی بعنوان منبع و منشأ همه احوال دانای بر همه احوال کل و محافظ حقیقت است . حقیقت و راستی در میان ایرانیان قدیم افضل فضائل و پر عزیز گاری بشمار میرفت . حقیقت و راستی برای آنها همه چیز بود . ایرانیان قدیم آنرا برای خویش مذهب میدانستند . به همین علت در اوستا شرافت بشر جمعا بر روی «دروغ» یعنی دروغ تمرکز یافته است (از دروغا که در کنده گریهای قدیم ایران وجود دارد گرفته شده است) میترا - دروغ کسی است که همه کیفیت معنوی و اخلاقی و مادی را که در میترا گرد آمده نقض کرده باشد . میترا - دروغ کسی است که بصیرت خبیانت کرده باشد یا دروغگو بوده یا یک پیمان مقدس را نقض نموده باشد . نویسنده مهریشت میگوید : فرد جاهلی که تصور میکند میتواند دروغ گفته و از میترا نیز طفره برود در اشتباه بسر میبرد (یشت ۱۰-۱۰۵)

هنگام اجرای مراسم قربانی ضمن پیشکش کردن شربت قربانی ، میترا را بنام میخوانند تا در آن آئین حضور حضور یافته و قربانی مزبور را همراه با محبت ، در اختیار آنان در بهشت منظور نماید (یشت ۳۱-۳۲) . پیروی که اشتیاق نوشیدن شربت مقدس را که بافتخار خاص میترا تهیه گشته است داشته باشد باید برخی از اعمال مربوط بظهور را انجام دهد . هر کس که از آئین مربوطه اطلاعی نداشته و یا با این مراسم آشنائی نداشته باشد حق شرکت در آئین مقدس شربت قربانی ندارد (یشت ۱۰-۱۲۰-۱۲۲) با توجه به اشارات و ملاحظاتی فوق بنام در توضیح میتوان بمنبع و منشأ آئینها و رموز بعدی میترائی که در قرون بعدی موجبات شهرت آئین میتراکیشم را فراهم آورد پی برد . چنانچه یک پیشوای مذهبی عادل و مقدس بخواهد برای پرستش میترا قربانی ارائه کند باید پارسا و با ایمان باشد . اگر رعایت خاطر میترا فراهم آمده باشد بکمک وی خواهد آمد . اما اگر چنین مراسمی بوسیله یک پیشوای مذهبی غیر مقدس انجام گیرد هر قدر هم که با شکوه و تجلیل همراه باشد مورد قبول میترا واقع نگشته و از طرف وی رد میشود (یشت ۱۰-۲۸)

کتاب پهلوی علاقه و توجه کمتری به میترا داشته و بر آنچه که در منابع اوستائی در باره وی گفته شده چیزی تازه نمیافزاید . بهر حال در متون پهلوی میترو باکمک و سادت و نیک بختی را از جهان از طریق «ماه» به اردویسوره که با آسمان فضا (سپهر) و از آنجا بزمین منتقل مینماید . (بندهش سدر ۱۳) و نیز بکمک سخ با عدالت بر جهان حکومت

و فرمانروائی میکند (بندهش سدر ۲۰-۲۱-۲۲) وی پرونده پندار و گفتار و کردار بومیه بشر را نگهداری کرده (داتستان دیویک ۱۴-۲-۵) پارسان حساب منحصر بفرد و محاسبه لازم را در پل «سینوت» تدوین نموده (سدر ۱۶-۱۸) و ایزد با «سروش» در قنوت نهائی حضور دارند (میترا سدر ۱۱۰-۱۱۸-۱۲۱)

نام ماهها و روزها بپیمان ترتیبی که در اوستا آمده در سنا ۱۶-۱-۵ و همچنین در سدر ۱۶-۱-۵ دیده میشود . اسامی مذکور ای که تحت عنوان اردشیر اول (۴۲۵-۴۶۵ قبل از میلاد مسیح) در تقویم زرتشتی آورده شده نشان میدهد که این پادشاه مذهب زرتشتی را بعنوان مذهب رسمی کشور برگزیده بود . اهمیت میترا را بازم میتوان از توجه باینکه هفتمین ماه سال و شانزدهمین روز ماه در تقویم ایرانیان قدیم بنام وی خوانده شده است درک نمود .

این نکته نیز شایان توجه است که نام میترا چه در ماههای سال و چه در روزهای ماه در وسط و در آغاز نیمه دوم قرار گرفته است در وسط جای گرفتن وی خود نمودار جنبه شایع و میانجی بودن میترا را میرساند . در پناههای تاریخی و یادگاری میترائی نیز چنین بنظر میآید که وی نشان دهنده خورشید نیمروز میباشد .

اهورامزدا گردونه میترا را از مصالح آسمانی ساخته و آنرا ستارگان تزیین کرده است (یشت ۱۰-۱۴۵) . میترا بوسیله این گردونه که بر روی یک چرخ زرین - حرکت میکند بدور آسمانها وزمین میگردد (یشت ۱۰-۶۷-۳۶) چهار اسب سفید و نر که غذای آسمانی بخورند و میدرخشند و هرگز نمیبرند و روحانی هستند گردونه میترا را میکشند (یشت ۱۰-۶۸-۱۲۵) در بهنه فضائی که بین ماه و خورشید رافرا گرفته است افضل و برترین همه دوستیها دوستی با مباشرت با میترا میباشد (یشت ۲-۱۵) بسیاری از این اشارات سمبولیک و رمزی ، نشان دهنده ذات معنوی میتراست .

با توجه بصفات و کردارهای متعدد و پیچیده یک چنین ایزد معنوی که در اوستا آمده بسیار غیر متعارف خواهد بود اگر همانطور که انتوان میدلت گفته است موقع ویرا به کردار مادی محدود سازیم . میدلت میگوید : «شایستگی و صلاحیت اصلی میترا در پیمان بوده و حال آن در چیز دیگری نبوده است» (مجله انجمن آسیائی ۱۹۰۷-۱۹۳) و همچنین گرشویچ صفحه ۴۳) . این عمل در واقع نادیده انگاشتن بسیاری از کیفیت معنوی کردارهای اساسی میترا بشمار میآید . هنگام مطالعه در ادبیات مقدس باید در جستجوی ارزشهای مذهبی و معنوی بود .

نویسنده مهریشت هنگام نوشتن آن تحت تأثیر افکار و معتقدات خود و طرحها و الگوهای

مذهبی و فرهنگی زمان خویش بوده است. همه صفات و القاب شاید از نقطه نظر اهمیت یکسان نباشند اما برخی از آنها شاید جنبه‌های اساسی قهرمان یشت را نشان بدهند. جوهر اساسی میترا خورشید یا آسمان نبوده و این موارد پدیده گسترش یافته بعدی می باشد بهرحال نیز جوهر واقعی میترا نبوده و چنین بنظر می رسد که جوهر واقعی میترا روشنایی و حیات و محبت است.

موضوع اینکه آخرین متون اوستائی اشاره ای بوقایع جالب توجه و بسیاری که در دوره قبل از میخامنشی روی داده است نکرده و ذکر ی از میخامنشی بهمان نمی آوردند نشان میدهد که همه آنها در دوره ماقبل نوشته شده اند. احتمال می رود که مهر یشت نیز در هزاره دوم قبل از میلاد مسیح و پیش از کتیبه هرتی که در بالا بیان اشاره شد نوشته شده باشد. از مدارک و اسناد وهائی و اوستائی چنین استنباط میشود که میترا اساساً ژنی و تأیید منبع نور و روشنائی آسمانی بوده و بدین ترتیب منبع و منشأ همه انوار و درخشندگی هاست از آنجا که وی در همیشه و عالم بر حقیقت است و روشنائی و حقیقت نیز با هم توافق و تناسب دارند بهمین جهت ویرا شاهد بر حقیقت و راستی، حافظ زندگی گانی و دانش و محبت و پیمان و ترفیع دهنده مذهب میدانند.

میترا به مردمان آریائی مسکن سرور آمیز عطا میکند وی مایه ملک بشر را توسعه و قزونی میبخشد و گله ها و رمنه های بسیار بوی میدهد و اولاد و خانه های حجیم و سعادت و نیکی بخشتی با و ارزانی میدارد (یشت ۱-۳۸-۳۰) پرستنده کسی که پرستش میکند دعا میکند، همچنانکه خورشید از پس البرز سر بر آورده و انوار آن بر ارتفاعات می تابد، خود او نیز با دعا و نیایش خویش بر اراده انگره مینو - بدیها، مسیب همه فتنها و شرارتها فائق آمده و بهیتر نزدیک میگردد (یشت ۱-۱۱۸) بدین ترتیب انگره مینو حالت و موقع تاریکی و خود پرستی و جهیل و خود خواهی برده و میترا حالت و موقع نور و روشنائی و حیات و دانش و محبت می باشد. با فائق آمدن بر قسمتیای تیره و تاریک زندگی شخص میتواند خود را بمقام رفیع میرا که در مأوای موت و درخشندگی و تذهیب سکنی دارد نزدیک کرده و بان برسد.

### آئین میترا

میترائیسم مذهبی است که در چند قرن قبل و بعد از میلاد مسیح و جبهه و محبوبیت خاصی پیدا کرده بود از قرائن اینطور معلوم میگردد که پرستش میترا (که مهمترین آئین در بین کلیه ایران بوده است) در ازمه شمالی و در غرب از اینها بسط و تکامل یافته است و در

مقیات بیشتر گفت که ایندوتولوژی میترائیسم از لحاظ دینی و اخلاقی، هم در زمان قدیم و هم در کلیه مدارج تکامل مذهب مزبور، دنباله دوره های توسعه و تکامل ایرانیست می باشد که دارای خاصیت مختص بخود بوده و در ایران هیچ وجود داشته و سپس در قرائن و سایر تاریخ ایران در قرون متضادی عمرته دیده شده است. سپس این آئین در ایران متراکم و بتوسط کشتی رگستانی میخامنشی به طرف شمال و غرب گسترش یافت و بعد از آنکه در بعضی سنگت دنیا ظاهر گشت بتوسط قوچان رومیها پادشاه نیر برده شد. تسلط مذهب زرتشتی خردیستی در ایران برای مدت مدیدی از اهمیت پیدا کردن میترائیسم بمنوان يك مذهب مشخص و جداگانهای جلوگیری نمود، معذالك فلسفه روحانی میترا در مذهب زرتشتی تحلیل یافت و قسمتی از آنرا تشکیل میدهد.

بهین طریق میترائیسم از زادگاه خود بچاک اجنبی سرایت نمود و در آنجا قریه های متعددی بسوز و متداول گشت. تاریخ سیر تکامل میترائیسم نشان میدهد که این يك فلسفه صوفیانه قدیمی بوده است که متوالیاً در چندین تمدن و مذهب در ممالک متعدد راه یافته و با اختیارات و خصائص اخلاقی مردم ممالک مزبور انطباق پیدا نموده است.

آئین بارکه میترا در خارج ایران دیده شده است در الواح مردم حتی (هیتیست) در برفازگزی (۱۴۰۰ ق م) می باشد. در اینجا نام میترا در يك صورت اسامی پنجگانه خداوندان - میترا، وارونا، ایندرا و دو خداوند دیگر هر دو موسوم به ناماتیا دیده میشود. اسامی صگی این خدایان در ریگ وده زیاد برده شده است و بویسایه این خدایان بود که عهدنامه ای بین پادشاه حیت موسوم به سوپیلالیماش و مانی زازا که يك پادشاه هند و این آئین نوشته شد پادشاه اخیر الذکر بر مملکت مینان فرمانروائی میکرد و از پادشاهان حوری در قسمت غربی بین النهرین بود.

اسامی این خدایان در اوستا نیز آمده است. در آن موقع پرستش میترا ریشه های محکمی دو اندیشه بود زیرا از سالهان درازی قبل از آن بوجود آمده بود. لذا ایندوتولوژیستار می رسد که آئین پرستش میترا بشکل خالص و بی آرایش خود تقریباً دو هزار سال قبل از میلاد در ایران وجود داشته است. اینجا باید خاطر نشان شود که آج و. بیلی سرودن ریگ و و دیگ را دیده میجدتم قبل از میلاد نسبت میدهم (ادبیات شرقی ص ۱۰۰).

ایران هیچ راه نبود در مراحل مختلف تاریخ آن، با نواحی مختلف جغرافیائی کشورهای قدیمی آریائی انطباق داد. در يك موقع با ایالت خوارزم بزرگه که بعداً از طرف کوش فتح و در امپراطوری میخامنشی وارد گردید (۵۰-۵۵۹ ق م) تطبیق میشد. مسلم بود که سیر تکامل امور مذهبی در آن ناحیه مانند نواحی دیگر معاصر که فتح گردیدند

تحت نفوذ عقاید مذهبی هخامنشیان قرار خواهد گرفت و از موارد مشهود در کتیبه‌ها و الواح معلوم میگردد که عقاید مزبور بطور یقین از تعلیمات زرتشت مشتق گردیده بود ، مثلاً منحصراً پرستش اهورامزدا بمنابۀ خداوند تعالی . داریوش در این باره گفته بود : اهورامزدا از آن من است و من از آن اهورامزدا . موارد دیگری که فی‌المثل میشود ذکر نمود تنبیح حفت ناپسندیده دروغ با د داروگاه و عقیده اینکه «آرتا» (اشا) حقیقت ، اولادین سستی میباشد که در مدت حیات و بعد از آن ممکن است آدمی درنیاید خود داشته باشد .

نخستین اشاره که در یونان قدیم بمیترا شده در نوشته‌های هرودت یافت میشود (۱۰۳۸) از قرار معلوم وی میترا را با یزد مؤنث ایرانی ، آناهیتا اشتباه نموده است نویسنده‌گان کلاسیک اسم میترا را زیاد برده‌اند . پلوتارخ می‌نویسد که در میترائیزم ، میترا بعنوان خداوندی شناخته شده است که در حیطة بین زمین و آسمان حکمفرمائی مینمود . گزنفون (۵۳ ، II ، III تربیت کوروش) میگوید بنام میترا قسم می‌خوردند و نیز می‌گوید میترا بر آدابۀ مقدس سوار بود ، برای فتح بوی نیایش میکردند ، گاو نر بنام وی بر مذهب و محراب آفتاب قربانی میکردند ، میترا و آفتاب را یکی میدانستند و گاهی ویرا با آپلون برابر میدانستند . عید میترا بنام مهرگان معروفیت بسزا داشت ( استرابون ص ۵۳۰ ) .

در الواح اردشیر دوم ( ۵۰ ق.م) و ۳۵۰ ق.م) وارد شیر سوم ( ۳۳۸-۳۵۰ ق.م) از هخامنشیان ، میترا را با اهورامزدا و آناهیتا ویا بتنهائی با اهورامزدا ذکر کرده‌اند . مسلم است که میترا در نزد عموم محبوبیت بسزائی داشته است ، بدلیل اینکه نام وی در ترکیب اسامی اشخاص زیاد بکار رفته این اسامی در نوشته‌های ایرانی قدیم ، یونانی ، آرامی ، آکادی و ایلامی یافت میشود . مثلاً میترا فرده بمعنی دارای شکوه میترا . شکل میترا داد یا مژراتی و نوشته‌های بابلی نیز پیدا میشود . اسامی دیگر که دیده شده بشرح زیر میباشد :

میترا تو ، میترا ئن ، آرتا میترا ، مهر هر مزد که بر روی يك کاسه مقدس آرامی پیدا شده ، مهرودان که بر روی کاسه مقدس مانندی نوشته شده . نام میترا وهیست بمعنی میترا ازدهه بهتر است در یکی از پایپروسهای آرامی در مصر نیز دیده شده است . (ک: گری ، بنیاد مذهب ایرانی ، صفحات : ۹۴ ، ۹۳ ) .

میترای اوستا شامل هسته خورشید - خدای آینده بود که بعداً تکامل یافت . اگر در نوشته‌های کلاسیک اخیر و منابع شرقی مؤخرتر ، میترای ایرانی خدای خورشید تعریف

شده است ، این امر مبرهن نفوذ پارتی است .

کاسه پارتی وپهره معنی آفتاب رامیدهد وهرسکه‌های هند و سکاکی ، میترا بشکل يك خداوند آفتاب دیده میشود ( شتین ، سکه‌ها ، صفحات : ۳-۲ ) . درارمنستان درشهر باگا یارین که پلاریج امروزی میباشد آتشکده‌ای بنام مهر ( که اورا پسر آرمزدا میدانستند) وجود دارد .

اگرچه آئین میترا از لحاظ اسول اولیه ایرانی بوده است ، مبرور زمان ، با بعضی عقاید سامی توأم گردید و در شکل جدید خود بنواحی دوردستی گسترش یافت . در بدو امر تحت تأثیر عقاید کهنان ستاره پرست بابل سپس تحت نفوذ آئین‌های محلی آسیای صغیر و بالاسر تحت تأثیر و نفوذ فلسفه و علوم یونان قدیم واقع گردید و تغییر شکل داد . نتیجیم کلدانی‌ها و سامی‌ها در آئین میترا وارد گردید . آن سوارات و مجمع ستارگانی که سپهر آنها تصور میرفت کلیه حوادث این دنیا را تعیین نماید مورد احترام و کرنش واقع گردید . در فلسفه دینی کلدانیها ، میترا و شمس که خدای آفتاب آنها بود هر دو یکی شناخته میشدند ، در سورتیکه در نوشته‌های زرتشتی میترا و آفتاب از هم جدا میشدند . در نوشته‌های صوفیانه روهیبا با «سول انویکتوس» یا آفتاب نامرئی یکی شناخته میشدند بدینظریق مخلوطی از عناصر گوناگون از عقاید بابلی و مردم آسیای صغیر و یونان چنان شکل جدیدی به آئین پرستش میترا بخشید که اندیشه‌ها و عقاید اصلی که در اوستا دیده میشد بکلی تغییر یافته از نظر دور گردیدند .

ایده و مفهوم میترا را که در اوستا مشاهده مینمائیم از بسیاری جهات با میترائیزم که بوسیله کتیبه‌ها و مجسمه‌های عصر روم با معرفتی میگردد فرقی دارد . اگرچه همانطوریکه در بالا گفتیم این آئین پورجائی که گسترش یافت بعضی صفات مشخصه اصلی میترا را نیز با خود برد . هر گاه مشاهده مینمائیم که نیم‌تنه‌های آفتاب و ماه و منطقه البروج بعنوان معرف نهضت میترائیزم بکار رفته‌اند میتوانیم مطمئن باشیم که منبع و منشأ افکاری که آنها را بوجود آورده از بابل و افسانه‌ها و علائم و رموز گذشته سرچشمه گرفته‌اند .

پادشاهای هخامنشی در اواخر این دوره پرستش میترا را در نواحی دوردست کشور خود دایر نمودند . تصویر میترا شبیه اهالی نینوس در هنر نقاشی آن موقع تصویر میترا و آتیس پنجره واحدی نمایان میگردد در سورتیکه فرقی زیادی بین این دو وجود داشت . ترویج آئین میترا در غرب علاوه بر جنبه مذهبی دارای جنبه سیاسی نیز بود . یکی از معتقدات صوفیانه در مذهب ایرانیان خورنه (= فر) بود . این یکتوح درخشنده گی مشتمل صوفیانه بود که زائیده نور آسمانی بود و بطور اختصاصی پادشاهان ایرانی تسلط داشته

آنها را بردشمنان غلبه می بخشیده است. پادشاهان سلسله‌هایی که بعد از خرابیهای امپراتوری اسکندر بوجود آمدند شوق زیادی داشتند که جلال و ابهت پادشاهی از آن آنها باشد و از اینرو پیروان سرسخت میترا بودند، میترا که ایزد معنوی بود سوار بر ارایه خود از کلمه نواحی کشور میگذشت و «خورشید» بدیگران میبخشید. این «خورشید» بعداً بمعنی قسمت یا تقدیر درآمد. سامیها آنرا «گاده» و یونانیان آنرا «تیجه» مینامیدند.

همانطوریکه در نوشته‌های اوستا نیز گواهی میشود بدین است مشخصات و جوانب مختلف میترای رومیها از میترای ایرانیان سرچشمه گرفته است. شباهت میترا به «سول» انویکتوس، خورشید نامرئی بطور روشن از روی نوشته‌های اوستا میباشد زیرا میترا مانند میترا بخشنده نور بوده ویرا اولین روشنائی روز میدانند کلمه «هرراختو» بمعنی منور در کلمه لاتین «لومینوس» (درخشنده) که صفت میترا بوده «میکس» میگردد. در کلمه گریهای برجسته که میترا در عقب «سول» (خورشید) قرار دارد، علت اینرا نیز میتوان در اوستا جست، زیرا در آنجا میترا در جلوی آفتاب قرار گرفته است. (یشتها، ۱۰-۱۳ بند ۱۹-۲۸). در بیشتر آثار تاریخی که بعنوان یادبود میترا تعبیه گردیده ذکر یا نشانه‌ای از انویکتوس نیز یافت میشود.

کلمه لاتین «جنیور» با کلمه اوستایی «گایودا» (زندگی بخشی) یکی است. بهمان نحو نیز کلمه لاتین «انکوروتوس» (فاسد نشدنی) معادل اصطلاح اوستایی «آناهیتا» بوده و معنی پاک را میدهد.

کلمه «اندپرهیسویلیس» معادل «گوفرا» معنی اسرارآمیز و «انسوپریلیس» معادل «آمینو» بمعنی بی قیاس و غیر قابل مقایسه و «سوموس» معادل «بردنت» بمعنی مهر و بزرگتر است.

از ارتباط اپام نبات با میترا، میترائیزم مفهوم نبتون یا اقیانوس را گرفت، نیز مفهوم فرتون و هرمس که خدایان خوشبختی رومیها میباشد، از انقطاع اسی و نیرو سنگه با میترا ریشه گرفت. دو خواهران میترا اسی نام دارند و در مذبح مازدایسنی میترا با خواهران خود اسی خوشبختی، مکت و فرزندان شریف ولایق به پیروان وفادار خود میبخشند. انقطاع نیرو سنگه با میترا در میترائیزم غرب اثر گذاشت و در آن بصورت هرمس مرکوری ظاهر گشت که خیر و پیغام میبرد، از اینجاست که وی پیغام بر اهورامزدا بوده و تشکیل و خوش اندام نیز بوده است. گراز نری را که در یکی از حجاریهای میترائی در کنار هراکلس قرار دارد، میتوان با اطمینان کامل مقایسه کرد با تجسم ورتراغنا (= بهرام) در شکل گراز نری. همچنان میتوانیم خروسی را که در بعضی موارد در حجاریهای میترائی دیده

شده به سرائوسا که هوس همیشه میترا بوده و بعنوان خدمتکار مطیع وی شناخته شده نیست بدعیم.

عمل زندگی بخشی میترا را در صحنه مرکزی غالب کننده گریهای میترائی چشم میخورد، منبع این اعتقاد رومیها از القاب سه گانه‌ای گرفته شده است بشرح زیر پورودوست بمعنی بخشنده فرزند، (یشتها، ۱۹: ۶۵)، اوخشیتورور بمعنی بخشنده قوت رومی گیاهان (یشتها، ۱۰، ۱۱) و وگایودا بمعنی بخشنده حیات. در افسانه‌های رومیها میترا را گاونری را میکشند و در آخرین لحظات حیات خود گاونری را بر سر خود آب منی دفع مینماید و جوانه‌های گندم از دمش میروید و این افسانه از یکی از روایات میترائی گرفته شده که کشف شدن گاونری بدست اهریمن را شرح میدهد. این حکایت در اوستا نیامده است ولی حدیثی بزبان پهلوی هست که انگراماینو (اهریمن) گاونری را کشت و از مغز استخوان این گاونری گندم روئید و تخم این گندم بوسیله ماهاز یکجا بجای دیگر انتقال داده شد و از آن حیوانات بوجود آمدند. در میترائیزم رومیها نامی از اهریمن برده شده است زیرا در الواح و کتیبه‌های میترائی دئوس اریمانس یا خدائی بنام اهریمن ذکر گردیده است. انگراماینو بوسیله نوشته‌های زرتشت بوجود نیامد و حتی یکبار نیز اسم وی باین شکل در گاتاها ذکر نگردیده (برای اطلاعات زیادتری در این باب بکتاب معنی و تعبیر جدید سپنتاماینو بتالیف سن. کانگا رجوع شود).

«زرت» اینطور استدلال میکند که بنیان آئین پرستش میترا بوسیله ایرانیانی که در بابل پناهنده شدند و دیو میپرستیدند گذارده شد، و میترا پرستان از آنها الهام گرفته‌اند، آنها موقنی ببابل پناه بردند که خدایانشا پرستش دیوها را منع نمود. (زوروان، «منجات: ۱۴-۲۰) در طول تاریخ دین زرتشت در ایران، دیو پرستانی در این مملکت وجود نداشته‌اند زیرا ایرانیان زرتشتیهای مزدا پرست و یکتا پرستان نابت قدمی بوده‌اند، ولی در بین آنهایی که ایرانیان اصیل نبودند بعضی دیو پرستانی یافت میشدند. زرتشت بدت علیه منتقدان بخدایان چندگانه مبارزه نمود، و باید در اینجا گفته شود که پرستش ایزدان را که همه آنها تابع اهورامزدا بودند بهیچ عنوانی نمیتوان دیو پرستی نامید. هراکلس انقراق و مهالند شود دیو پرستانی که در پشت ۹۵- از آنها ذکر شده ایرانی نبوده و نامی که از آنها برده شده «دئوسینتو» خود گواہ بر اینست. بطوری که در بالا نیز گفته‌ایم حتی در موقع هخامنشی‌ها پرستش اهورامزدا در ایران رواج داشت. در اینزمان ممالک زیادی تحت سروری ایران بودند و در این ممالک مردم از ادیان و مذاهب و آئینهای مختلفی پیروی مینمودند. لذا باعث تعجب نیست که خدایانشا میگوید «در بین این ممالک

ناجیه‌ای بود که سابق بر این خدایان دروغی را میپرستیدند و پیمانیت اهورامزدا من پناهگاه این دیوها را نابود ساخته‌ام و فرمانی صادر نمودم مبنی بر اینکه دیگر دیوها را نپرستند و در آنجایی که دیوها را پرستش می‌نمودند خودم با احترام تمام بمبادت اهورامزدا و اوستا پرداختم (گنت ، ایران باستان ، ص ۱۵۱) .

این گفته خدایان را بطور یقین ثابت مینمایند که در زمان وی عبادت بدیو پرستی در ایران نمیشد حتی این امر هم باعث تعجب است و قتیکه میخوانیم که یکنوع میتراکیمزیم اهریمنی در ایران بوجود داشت که طبق نوشته‌های گرشویچ از طرف خدایان منع گردیده در آن دوره و زمانه بطرف غرب رانده شد و در آنجا توسعه یافت.

ممکن است وظایفی که اهورامزدا در موقع خلقت عالم وجود بمیترا داد و نیز صفات نورافزایی و حیات بخشی میترا منابع و دلایلی باشد که افسانه کشته شدن گاو نر بدست میترا را بوجود آوردند . ممکن است این افسانه بدون هیچگونه ارتباطی با کشته شدن گاو نر بدست اهریمن بوجود آمده باشد و نیز ممکن است افسانه مزبور از این ایجاد شده باشد که عمل اهریمن را بمیترا منتقل نموده‌اند . چون در اوستا ذکری از این موضوع نیست کشته شدن گاو نر بدست میترا را میتوان به عنوان يك افسانه جدید تلقی نمود نه بعنوان افسانه‌ای که از ایام قدیمتر باور برده شده باشد .

در اوستا میترا با قربانیهای خونین مخالف است لومل اینطور فرض کرده است که کشته شدن گاو نر بدست میترا يك افسانه ماقبل زرتشت میباشد که از آنزمان بر حجاریها نقش گردیده زیرا موقعیکه میترا بعنوان یکی از ایزدان در مذهب زرتشت شناخته شد از گناه کشتن گاو نر پاک و منزّه گردید و عمل مزبور یعنی کشتن گاو نر را به اهریمن انتقال دادند .

گرشویچ میگوید دلیل دیگری را که ادعای منگی بودن صفات میترا را رومیها بر خصائص و مشخصات میترای ایرانیان را صحیح جلوه گر مینماید اینست که اسامی گوتس و گوتواتس ، دو مشعل دار که در حجاریها در دو پهلوی میترا گذاشته‌اند ، بعضی اوقات بر خود میترا نیز گذاشته شده است و او را مشعلدار معرفی نموده‌اند این اسامی اشکال دیگر نام اوستائی «وورن گتومینوتی» بهمان معنی مشعلدار میباشد .

بطوری که در بالا گفته شد تعداد معتدلی از صفات و مشخصات مغرب زمین از صفات میترای ایرانیان که در اوستا ذکر گردیده اخذ شده است . دانشمندان و باستان شناسان قابل ، بطور قاطعی ثابت نموده‌اند که فرضیه‌ای که اصل و مبدأ ایرانی میترا را انکار مینماید و پلک و مبدأ اروپای شرقی یا بالکان را برای شروع این آئین معرفی مینماید (این

فرضیه که از طرف زرتشت و پیروان او ارائه شده است) غلط میباشد .

با اهمیت ترین و آموزنده ترین آثار تاریخی تل سنگی عظیمی میباشد که بعنوان یادبود از طرف آنتیوکوس اول پادشاه کمازن (۳۷ الی ۶۹ ق.م) در تپه نمرود داغ ساخته شد و در هر دو طرف آن ایوانی قرار داشت که دارای دوسری یکسان از پنج مجسمه بودند . این مجسمه‌ها معرف خدایان و اشخاص نامبرده زیر بودند .

۱ - ژئوس اوزمزدس ۲ - آپولو - میترا - هلیوس - هرمس ۳ - آرتاگس - هراکلیس - آرس (ورتراگنا = پیروزی) ۴ - کمازن ۵ - خود آنتیوکوس . همانطور که در بالا دیده شد ، هریت میترا با هریت ساتن از خداوندان دیگر توأم و مخلوط گردیده است و این نمونه موردی است که قابل انتطاف بودن متد سنکرتیزم (آئین مبنی بر ایجاد وحدت میان عقاید و ادیان) را نشان میدهد ممکن است هرمس را از این لحاظ انتخاب کرده باشند که وی حامی و راضی‌ای ارواح در دنیای بعد از مرگ بوده است . در يك حجاری دیگر آنتیوکوس دست راست میترا را گرفته است و میترا لباس ایرانی بر تن دارد و در بالای سر وی عالم نمایان است که این‌ها نشانه همان «خورنه» میباشد در روی سکه‌های تراپزوس نیز میترا با لباس ایرانی دیده میشود که بر اسبی سوار است و یکی از دشمنان خود را زیر پای اسبش گرفته است . يك نمونه بسیار مشخص ، جام نقره‌ایست که در کاراگودناشخ پیدا شده و در آن میترا بر اسبی سوار است و عصای سلطنتی و جامی در دست دارد و در مقابل وی يك شاهزاده سکاکی قرار دارد که او نیز بر اسبی سوار است و دست راست خود را بعلامت ستایش و پرستش بالا برده است .

اول در آسیای صغیر بود که مجسمه‌های میتراکی بسبب یونانیها ساخته شده و در سراسر مغرب زمین گسترش یافت ، این مجسمه‌ها منبع اصلی ما درباره آئین میتراکیمزیم است .

پلوتارک میگوید : که زردان دریائی کلیکنه که در سال ۶۸ ق.م . دستگیر شدند ، باعث شدند آئین میتراکیمزیم در رم رواج پیدا کند ، و بتدریج این آئین در رم و جبهه عمومی پیدا کرد . بیشتر بوسیله سپاهیان بود که آئین میتراکیمزیم در امپراتوری روم گسترش یافت . آثار میتراکی حتی در اردو گاههای قفقاز آفریقا نیز بدست آمده‌اند . گمان آن نیز میرود که خارجیهائی که در استخدام دولت روم در آمده بودند و نیز بیگانگان دیگری باعث گسترش آئین میتراکیمزیم در رم گردیدند .

این آئین در طول خطوط مواصلات تجارتی نیز بوسیله تجار گسترش یافت ، شهر آنتولیسیا که در آنجا مواصلات تجارتی شهرهای کناره دریای مدیترانه با اروپای مرکزی تماس پیدا می کرد نحوه مرکز آئین پرستش میترا بود ، و در توسعه آئین مزبور سهم

بزرگی داشت .

تعداد ممتنا بهی از اهالی ممالک مشرق زمین دینها و مذهبهای خود را با خود به روم آورده بودند و در بین این آیینها پرستش میترا رتبه اول را از حیث اهمیت پیدا نمود . هم اعضای خود دولت روم و هم مقامات و کارمندان دولتی و حکام ایالات و فرماندهان نظامی همه با نظر مساعدی با آیین میتراثیزم مینگرستند .

از کتاب تاریخ آگوستا درمی یابیم که کمودوس به اسرار و رموز آیین میترا پرستی وارد و آشنا گردید . بزرگترین تجمع آثار میترائی در سال ۱۹۱۲ در حمامهای رومی کاراکالا کشف شد و در بین آثار مزبور کتیبه‌های بافتخار یابوده ژئوس- علیهوس- ساراپیس- میتراس پیدا شد .

دلیل عمده گسترش سریع آیین میترا در غرب و در نقاط دیگر دنیا این بود که در آن ایام نام و شهرت زرتشت و آیین وی که توأم با منطق ، فلسفه ، علم ، اخلاق ، تصوف و یکتا پرستی بود ، توجه اشخاص دانا و فهمیده را در همه جا بخود جلب نموده بود ، و نظریاتی که مذاهب قومها و ملت‌های متقدم دیگر دارای پایه و اساس حقیقتاً روحانی نبود این مردمان نیز احساس می نمودند که احتیاج بیک نوع غذای روحی دارند . مردم از رومیها و از ستایش حکومت روم خسته شده بودند ، آنها لزوماً میترا احساس میکردند که یک مرام مافوق بشری را پیدا نموده بگوشی و پرستش آن پردازند و از اینرو بود که این مردم در شخصیت میترا همان چیزی را یافتند که دنبال آن می گشتند تا تشنگی روحی خود را سیراب نمایند .

میترا بزودی توانست ممالک و نواحی زیادی را در اروپا بر مصرفات روحانی خود بیفزاید و طرفداران بی حد و حسابی از نواحی دور دست بخود جلب نماید . شهرت وی به سرحدات دریای اژه رسید . آیین پرستش وی از هندوستان تارم گسترش یافت . در شرق نزدیک این آیین در نواحی مختلف آسیای صغیر گسترده شد و در قرن سوم میلادی به هند رسید .

آنتیوکوس اول پادشاه کماژن در کنار رود فرات در لوحه‌هایی که نوشته است در حدود (۳۵ ق . م .) اهورامزدا و میترا و ورتراغنا ، راستایش نموده بروحانیون امر مینماید در موقع اعیاد و جشنها لباس ایرانی بپوشانند . نرون (۵۴ الی ۶۸ ق . م .) از روحانیون میترائی خواستار شد تا ویرا با اسرار و رموز آیین میترا آشنا سازند .

دیو کلیتیون گالریوس و سیسینوس معبدی را بنام میترا ساختند . دیو کلیتیان در سال ۳۰۷ میلادی میترا را رسماً بعنوان حامی و نگهبان امپراتوری خویش شناخت در اواسط قرن ، میتراثیزم با اوج موفقیت خود رسیده بود و اینطور بنظر میرسد که اروپا بتمامی ،

آیین میترا را قبول و آن پیروی خواهد نمود .

در دین میتراثیزم رب العالمی و تعالی و تمامال دگورونوس ، یازمان بود . در اوستا کورونوس بنام زروان اگر نه بمعنی زمان بیکران یا ابدیت معرفی گردیده است . کورونوس علت نخستین است و آفتاب منتهی وی در عالم مادی میباشد . ویرا بشکل یلک هیولای انسانی مجسم می نمودند که دارای سر و کله شیر بوده و دور سرش مازی پیچیده بوده است . وی آفریننده و نابود کننده است . وی عصای پادشاهی و کلید دروازه‌های بهشت را در دست دارد . او آسمان و کره ارض را آفرید و سپس کره ارض را باینده اقیانوس بود . آسمان ارمزد یا ژوپتر میباشد . کره ارض اسپنثا ارمیثی (استندارمذ) یا جونس میباشد ، اقیانوس ایام نیات است . عاقوما (هوم) یا پاکوس مظهر و تجسم کننده نیات است و «دراواسیا» یا سملوانوس مظهر و نماینده زراعت و فلاحیت میباشد و نوس و یاسپیل الهه دریاهاست و وقتی با نیکه فرشته پیروزی میباشد . اشایا ارتد بر حقیقت و عفت حکمفرمایی میکند ، این ایزدان ایرانی چنانکه در بالا نشان داده شد بشابه تعدادی میترا در سرزمینهای تحت تسلط اقوام یونانی و لاتین پرستش میشدند آنها همه در قلعه‌های آفتاب گیر کوه المپ زندگی مینمایند . آرایه خدای برتر بوسیله چهار اسب که آتش و باد و آب و خاک میباشد کشیده میشود و بدینوسیله است که آفتاب وظیفه روزمره خود را انجام میدهد و در آرایه خود دور زمین نمایان میشود . ماه نیز بر یک آرایه یا گاری که بوسیله گاوهای نرسفید کشیده میشود سوار است . ورتراغنا (بهرام) در نوشته‌های اوستا بیک گراز نر شبیه شده مشخصات و وظایف و افتخارات کلیه ایزدان دیگر بوسیله آیین نسبت داده میشود . شاید ظهور خویشاوندی در بین بعضی خدایان که در میتراثیزم قدیم یافت میشود و بشکل شب یا آیین‌های فرعی مختلف میتراثیزم درآمده از تعداد زیاد خدایان سرچشمه گرفته باشد که در اطراف میترا بوده‌اند .

در میتراثیزم غرب و بطور کلی در عصر مسیحیت میترا بخود روشنی با آفتاب نسبت دارد . از کلیه شواهد استنباط میشود که از حیث زمان میترا اوستا بر میترائی که با آفتاب تشبیه شده تقدم دارد . زیرا در نوشته‌های اوستا میترا با آفتاب یکی نمیشد و نیز در اوستا میترا از یک میترای قدیمتر که با آفتاب تشبیه شده باشد مشتق و گرفته نشده است .

با اینکه خداوند نامرئی میباشد ، نور و تشعشع وی در همه جا پیدا و منمکن است . این نور جاودانی میتراست که واسطه بین خداوند و عالم بشریت است . همه چیز در نور وی اتصال و پیوستگی پیدا میکند و اینست که معنی حقیقی نام وصفی که پیش از همه بوی اطلاق میگردد «وورو گائوبیتی» بمعنی پیوند دهنده موجودات زنده در همه جا است .

پلوتارک میگوید که اوردوس در نور جاودانی زندگی میکند و مکان وی همانقدر از

خورشید بالاتر است که خود خورشید نسبت بکره ارض ارتفاع دارد. و ضمناً نیز اهریمن در قسمت‌های پائین و در ظلمت زندگی میکند. جای میترا در بین اینها میباشد. بر طبق میتراثیزم پلوتو (اخریمن) نیز مانند ارمزد زائیده زمان بیکران میباشد و در نواحی پائین در دوزخ زندگی میکند. وی بر آسمانها یورش میبرد ولی یورش وی دفع میگردد و وی بدوزخ باز میگردد.

عمل آفرینش دنیای مادی زمانی شروع میگردد که میترا با گاوانسری بچنگ و سبزه میپردازد. زده خورد وی با گاو نر غلظت رنج و غذاهای نوع بشر بر کره ارض میباشد. وی گاو نر را در گاری جای داد و بفرمان آفتاب ولی با اکرام (گاوانسری) راکت، تا اینکه بدینوسیله او بتواند انسانها و حیوانات را بوجود آورد.

عاشقانه را جمع آوری میکند و آنها را صاف و بی آرایش میگردد و در نتیجه انواع مختلف حیوانات پدیدایش میشود. بدینوسیله اولین زوج انسانی آفریده شد و میترا بنگهبانی بر آنان گماشته شد. اهریمن کوشش مینماید تا این زوج را از بین ببرد. همانطوری که قبلاً نیز کوشیده بود تا گاوانسری را از بین ببرد. در نتیجه کوششهای اهریمن در این راه پلایهای مهلك، سیلهای پهن‌آور و آتش سوزیهای غلیظی ایجاد گردید ولی او در مقاصد خویش عقیم میماند زیرا موجوداتی که ارمزد آفریده زنده میمانند و پرورش مینمایند کار آفرینش میترا که انجام یافت با آسمانها باز میگردد و از اوج آسمانها بر کره ارض نظارت نموده بر آن نگهبانی مینماید.

نقشی که «فراوشیها» (فرورها) یا عصاره‌های عالمگیر و نافذ خدائی در موقع آفرینش عالم ایفاء مینمایند موضوع مهمی است.

دریشتیهای بزرگه ضمن تفسیر فرضیه آفرینش عالم و آفریننده آن به تفصیل درباره‌اش بحث میشود. در اینجا میترا نور آسمانی و بخشنده حیات است و وظایفی که در این زمینه اهورامزدا در حین آفرینش عالم به عهده وی گذارده است بخوبی انجام میدهد. وابستگی اسم میترا با گاوانسری آسمانی توأم با قربانیهای گاوانسری که بافتخار وی صورت میگرفت ظاهراً دلیل آن گردید که افسانه میترا «گاوانسری» وجود بیاید.

اطلاعاتی که درباره آئین عقاید و تعلیمات میتراثیزم جمع آوری گردیده در نتیجه مطالعه لوحها و آثار تاریخی مربوط میباشد. آئین میتراثیزم دارای مراسم سری و پوشیده‌ای نیز بوده است که طی آن لازم بود اشخاصیکه طالب بودند با اسرار و رموز میتراثیزم آشنائی کامل پیدا نمایند از جمله امتحانات بسیار دشواری برآیند و برای مدتی از چشیدن لذات زندگی خودداری و مسک نفس نمایند. مبتدیان و تازه‌واردین با آئین مزبور

میبایست مراسم مختلف تظهِیر و وضو راطی نمایند تا اینکه وجود آنها از جمیع گناها و آلودگیها مبرا گردد و نیز بر مبتدیان واجب میگردد که سختیهای بر خود تحمل نمایند و یک روزه مراسم پیچیده و مفصلی را در زمینه علوم پوشیده طی نمایند.

تشریفات آشنائی با آئین میترا مشتمل بر هفت مرحله بود که مبتدی لازم بود بترتیب همه آنها را طی نماید و در ضمن اسامی مخصوصی را در هر مرحله بخود بگیرد مانند غراب، سوفی، سر باز، شیر، پارس، درنده بدنبال آفتاب و پدر و میبایست علائم مقدسی که نماینده هر یک از این اسامی بود بر خود نصب نماید. هفت مرحله مزبور بمنظور این تمییز شده بود که داوطلبان بتوانند بضرر دمندی و تقدس برسند. فقط آشنائی که کاتبه مراحل هفت گانه راطی نموده بودند حق داشتند در مراسم صوفیانه شرکت نمایند.

توتولیان راجع به پیروان میترا که آنها را سر بازان میترا مینامد مینویسند که داغ بر پیشانی داشتند و نیز یکی از مراسم تظهِیر و وضوی میترا را در نوشته‌های خود ذکر مینمایند که شبیه مراسم غسل تعمید میباشد امتحانات سختی نیز آزمبندی بعمل میآمد که در هر یک از آنها از محک آزمایش مقاومت در مقابل آب، آتش، سرما، گرسنگی، تشنگی، راه پیمایی و سیاحت بود و طوری ترتیب داده شده بود که هر امتحان از امتحان پیش سخت‌تر و دشوارتر بود. در پشت میترا از وضو و نوار صحبت میکند و از دعای شرکت اشخاص در مراسم شرب و نوش مگر اینکه واجد شرایط لازم باشند.

اماکن مقدسه میترا را باغها و مناره‌ها تشکیل میدادند. آتش جاودانی در مذبح و میترا را که در منتهی‌الیه هر یک از این دخمه‌های زیر زمینی تعبیه شده بود میسوخت. ضمن تعلیم رموز صوفیانه میترا تعلیمات کاملی در باره کیهان شناسی نیز داده میشد و با حرات میتوانیم استنباط نمائیم که این علم با امور روحانی و سر نوشت روح و روان بشری ارتباط داده میشده است.

احتمال این میرود که موضوع صعود روان و عبور آن از هفت طبقه آسمانی جزو تعلیمات میترا بوده است. حیواناتی که با پوشیدن جامه مبدل بشکل آنها میشدند همان حیواناتی هستند که بعضی علائم بروج دوازده گانه نماینده آنهاست.

اسرار و رموز مربوط به ارفه، الوسین و دیوینس از منابع شرقی گرفته شده است. جنبه‌ها و مفهوم اسرار آمیز آئین میترا طی قرون منمادی در سراسر دنیای مغرب زمین رواج داشت.

تأسیساتی تعلیمات زرتشتی در رموز میتراثیزم تأثیر بخش بوده و بتجوری از انحاء در رموز مزبور تجلی یافته است. این تعلیمات پیش بر اینست که روان آدمی حرقه نور



الهی میباشد که از بالاترین اوج آسمانها نازل شده بالاخره در هر يك پوشش مادی قرار میگیرد . این پوشش آنرا با فساد و تباهی آلوده میسازد و وجود آن بر زمین بلك مبارزه مداوم با قوا و ظلمت ، دروغ ، جهالت و بدی تبدیل میسازد ، میترا واسطه بین خداوند و آدمی میباشد و نیز وی بلك قاضی است که تحت فرمانفرمایی او و با کمک او آدمی با بدی مبارزه میکند و در آخر امر رهایی پیدا میکند و روان وی پاک و منزّه گشته ببلقیات آسمان که در ابتدا از آنجا نازل شده باز میگردد . در يك لوحه مانوی (تورفان) میترا بعنوان نجات دهنده و بانی خیر و برکت معرفی گردیده ، در جای دیگر نیز وی فرزند خدا معرفی شده . منبع اصلی فکر میترا بعنوان نجات دهنده و واسطه بین خدا و آدمی بلك عقیده زرتشت میباشد . در سورتیکه عقیده اینکه سیارات بر روان آدمی در ضمن گذشتن آن از طبقات مختلف آسمان اعمال نفوذ مینمایند از افکار کلدانیها سرچشمه میگیرد . همانطوریکه اهمیت دادن به مفهوم قسمت و سرنوشت که خود این عمل بآئین عبرت و تقوی منتهی میگردد در سر رشته اش عقاید کلدانیها میباشد .

همچونگونه مبحث آخرت میترا نیز بر عقاید زرتشتی پایه گذاری شده است . روان آدمی جاودان و فنا ناپذیر است و از روی خوبی یا بدی حیاتی که بر زمین طی نموده است پاداش و یا تنبیه درباره آن معین میگردد .

میترا بر عیث قضائی که در آسمانها بر اعمال روح و روان آدمی قضاوت مینماید ریاست دارد و چون وی واسطه بین خداوند و آدمی است وی بآنها که خوب بوده اند کمک مینماید . همانطوریکه هفت مرحله ابتدائی آشناسدن با رموز میترائی و هفت منزلتگاه برای روح آدمی وجود دارد در آسمانها نیز هفت آسمان وجود دارد که هر يك از آنها در بالای طبقه زیرین قرار دارد . این هفت آسمان هر يك بیکی از سیارات پیوستگی دارد . ارواح پاک و منزّه بوسیله نردبانی که بطرف بالا صعود کرده و از هفت منطقه گذشته و بالاخره به آوازه مسکن بهشتی نور ابدی و سعادت جاودانی میرسد خود را باین مکان میرسانند و میترا مجدداً بزمین باز خواهد گشت تا بان نیروی تازه بخشند و سپس گسادی شبیه بگاو نخستین ظاهر خواهد گشت و میترا آنرا ذبح نموده و پیه آنرا همراه با شراب بکسانی که ذبح هستند خواهد داد و ایشانرا بدین ترتیب فنا ناپذیر خواهد ساخت . گفته میشود که میترا عالم را درجهتی که بجاویدانی منتهی میگردد سوق میدهد (بشت ۱ - ۱۲۴)

بدی از میان خواهد رفت و زمین ترفیع خواهد یافت و نیکی در لذات سعادت و نیکی بخشی ابدی فو ظهور خواهد گردید ، لذا میترائیسم اسرار تجدید حیات «فراشکرت» را در مورد اینکه روحاً همیشه تازه بدنیا میآید و سپس موقع و منزلت کامل خدائی خود را میباید

بیاورد و اصول بدیع و رموز نیز عمداً چنان طرح شده اند که در جستجوی همین هدف باشند .

میترائیسم در مرحله نهائی خویش یعنی در حدود سه یا چهار قرن پس از میلاد مسیح بهت وحدت و جود خودشیدی رم را بخود گرفت و علوم و فلسفه زمان را بخود جذب نمود و امپراطور بعنوان مظهر و نماینده دیوس سل اینویکتوس فرمانروای عالم در روی زمین تلقی گردید و دیوس سل اینویکتوس میترا عنوان مشهور و عادی دینی خداتند . با این منظر و وجهه بود که میترائیسم در آخرین ربع قرن سوم پس از میلاد مسیح نضج گرفتند بصورت بلك مذهب جهانی درآمد . از قول ام - رنان گفته میشود که اگر مسیحیت اشاعه نیافته بود مردم جهان مذهب میترا را پذیرفته بودند (کتابهای یونانی و شرقی توسط آدنی صفحه ۱۰۰)

بدین ترتیب میترائیسم بصورت دقوب بزرگی برای مسیحیت درآمد و در همین حال راه را برای توفیق نهائی آن هموار نمود . برای ذات بخشیدن و تجسم شرك موجودشان مردم رم باسانی خدایان خارجی را میپذیرفتند و از مصر الیسیس و از ماگنا مایتر ( مادر بزرگ ) و از ایران نیز میترا ارائه شد . سایر پرستیدنیهای شرقی تحت نفوذ عمیق میترائیسم که در رمها آئینهای تازه ای برای پرستش آن پدید آورده بودند ارمیان رفتند و میترائیسم آئین بکتاپرستی را حاشین آئین چندین خدائی مردم روم کرد و میترا بعنوان خدای بگانه ایشان متجلی گشت .

نفوذ مسیحیت پس از مرگ مارکوس اورلیوس روبره ازدیاد و تثویت نهاد . هنگامیکه کستانتین ( کستانتین در سال ۳۲۶ میلادی بر تخت امپراطوری تکیه زد ) آئین و مذهب مسیح را پذیرفت سرنوشت میترائیسم دیگر گونی یافت و با صفت و اشکالی فراوان توانست موجودیت خود را حفظ کند . در این هنگام خصوصت با میترائیسم آغاز گردید و بدنبال آن حکاماتی صورت گرفت . در زمان حکومت ژولین موند ( ۳۶۱ الی ۳۶۳ میلادی ) عکس العملی پدید آمد . ژولین با رموز میترا آشنا بوده و از مراحل صفا و تطهیری کامل گذشته و بر آن بود که لکه های تمیید و اشاع ربانی را از دامن مسیحیت بزاید ، وی همینکه بر تخت نشست آئین پرستش میترائی را در قسطنطنیه ارائه و متداول ساخت و اولین مراسم میترائی را در آن جشن گرفت . اما مرگ زودرس او پنهنضت احباء میترائیسم نیز پایان بخشید . پیروزی تئوسوسیوس در سال ۳۹۴ میلادی همه شمله های آیدید با احباء میترائیسم را بوسیله جذب و استحلال بسیاری از عوامل متداول و مشهور آن ، در دل اریستوکراسی که همچنان نسبت بآئین میترائیسم وفادار مانده بودند بدخاموشی کشید و فراموشاند و میترائیسم لنگه بنگان وضعی در آلپ و اطراف آن بموجودیت خود ادامه داد . آخرین ضربه مهلك را آتیلا

سلطان هونها در حمله‌ای که کمی بعد از سال ۴۵۰ میلادی بریم نمود بر پیکر و موجودیت میترائیسم وارد آورد و آنرا محو و نابود کرد. اما میترائیسم بدون آنکه علائمی محو نشدنی از خود بجا بگذارد از میان نرفت و بلکه علاوه بر علائم پاک نشدنی بسیاری از معتقدات و آداب و رسوم آن باقی ماند و نفوذ هنر میترائی در مسیحیت نیز شایان توجه میباشد.

هواداران میترا معمولاً مولود خورشید را در روز بیست و پنجم دسامبر هر سال جشن میگیرند زیرا در تحویل زمستان روشنایی بر تاریکی پیروز میگردد و طولانی شدن روزها آغاز میشود. مسیحیان اینروز را که در اصل روز تولد میترا بوده است، بعنوان روز ولادت مسیح جشن میگیرند.

«این رسم همچنان باقی بود تا اینکه در سال ۵۳۰ میلادی یک کاهن سکائی نام دیونیسوس اگریجیوس مأموریت یافت تا روز و سال تولد مسیح را تعیین کند» اما روزها و تاریخ جشنهای اصلی و مذهبی دوره ماقبل آن (دوره‌های مشابه آنرا مانند دوره ماقبل اسلام دوره جاهلیت نیز نامیده‌اند. مترجم) تا آن زمان چنان معمول و متداول شده بود که مسیحیت ناچار شد آنها را بپذیرد.

مسیحیت بسیاری از سمبولیسمهای میترائیسم را نیز بپذیرفته است و مسیحیان روز یکشنبه را که از نقطه نظر میترا خدای نور و روشنایی ایرانیان مقدس بوده، از میترائیسم اقتباس نموده‌اند پرستش میترا نایبه و زنی روشنایی و نور در سراسر آسیای صغیر و آفریقا گسترش یافت و دامنه توسعه و بسط آن از آسیای صغیر و آفریقا گرفته تا غرب و داخل اروپا و حتی بریتانیا نیز گشایده شد. گفته‌اند که در مبارزه با مسیحیت میترائیسم میتوانست پیشی گیرد اما کشیشان دوره اولیه مسیحیت بسیاری از شعائر و آیین میترائیسم را قبول و اتخاذ و اقتباس کردند و بدین ترتیب موجبات نجات و تقویت مسیحیت را فراهم آوردند. (هند در دوران اولیه مسیحیت نوشته ا - لیلی صفحه ۱۷).

تولد مسیح در طیولیه الگوئی از تولد میترا در غار میباشد. آقای مک‌لاداد پارسی در کتاب خود تحت عنوان «حکایات مواقع و حالات انجیل» مینویسد: مسیحیت بسیاری از میترائیسم را در خود جذب و منجیل کرده است. نفوذ و تأثیر میترائیسم بر مسیحیت آنقدر زیاد و آنچنان عظیم بود که «پدران مسیحی» خود را بدرجه‌ای نازل کردند که دست بتوضیحات و تشریحات ناموزون و بیجائی از قبیل اینکه «اگر ابلیس بخواهد شرارت یا بدی نسبت به ایمان حقیقی بکند آنرا از طریق تقلید کردن آینده انجام میدهند» (رموز و اسرار مسیحی در میترائیسم، عطف بدکتر جی-جی نادی، نفوذ ایران بر دیگر کشورها صفحه ۸۹). امپراطور ژولین را از آن نظر مرتد خوانده‌اند که وی معتقد به میترائیسم بوده است

پدران مسیحی کتاب قرمز و Mitre خود را بهاریت گرفته بودند.

مشهور است که زمانی بر فراز تپه دهرن «Vohronhill» یک معبد میترائی بنا شده بود و «اسلاسه» Pape کاهنان عظیم‌المان میترا را که آنها را پایا یا پدر میخواندند) در این معبد بر سندی نشسته‌اند «سندی مقدس میترائی هنوز هم در سنت پیترا نگهداری میشود (دکتر جی جی مودی صفحه ۹۰ - Op - cit)

در مورد گاوکشی میترا، تئوری‌ای وجود دارد که خدای خورشید گاورا میکشد. زیرا در دو هزار سال قبل از میلاد مسیح هنگامیکه میترائیسم بوجود آمد. چنین آورده‌اند که خورشید در موقع اعتدال ربیع و بجای برج حمل یا قوچ در برج ثور یعنی گاو بوده است.

در کتاب مانویت ایرانی (مانی در سال ۲۷۴ میلادی درگذشت) که از قرن سوم میلادی بعد تألیف گردید اشاراتی بسیر و تکامل تدریجی میترا در اساطیر ملتهای مختلف ایرانی شده است، مطالعه و تعقیب سیر تکامل میترا در دوران بعد از اوستا با همه جزئیات و شب و قیوع آن کار بسیار دشواری میباشد. اعطاف و اشارات کلاسیک و شرقی را که بذات شمسی آن بهمان آمده در کتاب کیومرث میتوان یافت. میترا در مانویت ایرانی در کتب سندی و اشکانی با رهبر سوم که خدای خورشید است مشخصی گفته و این امر نشان میدهند که از نظر آنها میترا خدای خورشید بوده است. اما در کتب وسطای ایران، میترا با رهبر دوم تشخیص یافته است لهذا ایرانیان وسطی میترا را بعنوان نماینده و مظهر خصوصیات خدایان ایرانی برگزیده و وظیفه ایفاء نقش خدای خورشید را بر وی تفویض نمودند.

پرستش میترا بعنوان ایزد، هنوز هم در میان زرتشتیان معمول و متداول است ایشان این خدای نور و روشنایی را پرستش میکنند. زرتشتیان در دعای صبحگاهی خویش همراه با نیایش خورشید، نیایش مهر را نیز بجای می‌آورند و این ایزد معنوی را بخاطر کردارهای گوناگونش بعنوان بخشاينده نور و روشنایی و عطا کننده عقل و دانش و بخشاينده عشق و محبت و بعنوان میانجی و واسطه و قاضی ستایش مینمایند. ایشان هنوز هم بذکر مهر پشت میبردند و ادبیات مهریشت را همچون ادبیات مقدس مذهبی خویش مطالعه مینمایند. آنان هنوز هم معابد و مکانهای را که در آن مراسم و آیین مذهبی برگزار میگردد بنام دره مهر که بمعنی در میتراست میخوانند.

حتی در تقویم ایران نوین نیز میترا جای منحصراً بفریدی را در هفتمین ماه سال و شانزدهمین روز ماه اشغال نموده است. هفتمین ماه که در وسط سال قرار گرفته نمودار و مظهر کردار میانجی و واسطه میترا از طریق روشنایی و نور و محبت و حیات بین خدا و بشر

میباشد. پس از نوروز مهمترین جشن ایرانیان، آئین مهرگان در مهرماه و این روز سال است که ایرانیان هزاران سال است آنرا جشن میگیرند. میترا از معتقدین بخود، فضیلتی را میخواهد که روشنائی مظهر و نمودار حقیقت و دانش و وفاداری آن است. میترا بعنوان ژنی و نایبه نور و روشنائی نگهبان و محافظ روابط منظم و صلح و آرامش بین المللی است. پیشرفت و تظہیر و صفای کشورهای و بشریت، بطور کلی در سراسر جهان متکی بر اساس آن ایده آلهای معنوی و مذهبی و اخلاقی است که میترا مظهر آن میباشد، ایده آلهائی که برای صلح و آرامش جهانی پدید آمده اند. بیایید همه ما، همه ملتها و کشورها و مردم جهان از طریق سازمان ملل متحد چراغ روشنائی و دانش و محبت و دوستی میترا را فراراه داریم و همگی در پرتو آن در راه پدری خداوند و برادری بشر بسوی صلح پایدار گام برداریم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی